

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Narrative Review of Pertinent Theories on 'Public Space' in Cities
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر*

حمیده ابرقویی فرد^۱، سید امیر منصوری^{۲*}، قاسم مطلبی^۳

۱. پژوهشگر دکتری، گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

چکیده

بیان مسئله: مسئله فضا در حوزه عمومی شهر فراتر از تعریف ساده‌انگارانه «نقطه مقابل فضای خصوصی» بوده و معطوف به ساختار اجتماعی-مکانی زندگی شهری و دارای ابعادی چندگانه است که متأثر از نیروهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شکل گرفته و تحت عاملیت مدیران شهری، طراحان و شهروندان موجودیت می‌یابد. علی‌رغم دغدغه‌های روزافزون درباره عملکرد فضاهای عمومی در دهه‌های اخیر، درباره ابعاد مختلف مفهوم «فضای عمومی» میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد؛ این مسئله توسعه دیدگاه‌های نظری و راهکارهای عملی درباره این مفهوم میان‌رشته‌ای را دشوار ساخته است.

هدف پژوهش: هدف از نگارش پژوهش حاضر، ارائه تصویری کلی از ابعاد مختلف مفهوم «فضای عمومی» و نمایش تناقضات و خلأ نظری موجود در ادبیات نظری پیشین است؛ به‌گونه‌ای که با ترکیب و نقد دیدگاه‌ها، مدل مفهومی جدیدی برای مشارکت در توسعه تئوری و مفهوم‌سازی مجدد ایجاد شود.

روش پژوهش: با توجه به هدف پژوهش برای بسط مبانی نظری در زمینه فضای عمومی از روش تحقیق مرور یکپارچه بهره گرفته شده است. اطلاعات گردآوری شده به روش مطالعه کتابخانه‌ای، از طریق تحلیل محتوا و به شیوه فراتحلیل بررسی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: تعاریف متعارض فضای عمومی، ریشه در وجود ذی‌نفعان متعدد و عاملیت‌های انسانی، زمینه‌ای و نهادی دخیل در شکل‌گیری کنش انسانی دارد. عمومیت یک کیفیت نسبی، انتزاعی و پویا بوده و میزان آن مخرج مشترک ویژگی‌های اختصاصی هر فضا و پاسخ معادله‌ای چندمتغیره از نقش انسان، فضا، شهر و زمان است. فضای عمومی سامانه‌ای چنددیالکتیکی و موجودیتی مورد مناقشه و برخوردار از طیف معنایی و عملکردی وسیع و گریزنده از تعریفی واحد است و بر مبنای روابط میان عاملیت‌ها، در طول زمان و مکان، نمودها و امکانات متفاوتی را در اختیار ذی‌نفعان مختلف اعم از شهروندان، طراحان، متخصصان، مدیران شهری و نهادهای قدرت قرار می‌دهد. ابعاد ماهوی و عملکردی فضای عمومی تحت تأثیر سلسله‌ای از روابط به‌مثابه واکنش زنجیره‌ای و اثر پروانه‌ای تغییر می‌یابد. تغییری کوچک در فرایندهای کلان شهری، زمینه فضای عمومی، اقدامات انسانی و حتی تحول یک فضای عمومی در نقطه دیگری از شهر، ممکن است به نتایج وسیع و پیش‌بینی‌نشده‌ای در عمومیت فضا منجر شود. عمومیت فضا باید به‌عنوان یک ارزش کل‌نگر از طریق الگویی تطبیق‌پذیر با در نظرگیری مجموعه عوامل دخیل در هر نمونه خاص تبیین شده و با راهبردهای بزرگتر و فرایندهای بلندمدت تحقق یابد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، فضای عمومی، حوزه عمومی، فضای اجتماعی، تحلیل محتوا.

منصوری و دکتر «قاسم مطلبی» در پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران در حال انجام است.
** نویسنده مسئول: amansoor@ut.ac.ir ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «حمیده ابرقویی فرد» با عنوان «توسعه مدل مفهومی فضای عمومی به منظر جمعی با رویکرد پدیدارشناسانه به فضای شهری؛ مورد پژوهی خیابان انقلاب» است که به راهنمایی دکتر «سید امیر

مقدمه و بیان مسئله

فضاهای عمومی به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، عناصری ضروری برای پایداری شهرها هستند (Tonnelat, 2010, 1). فضای عمومی نمایانگر شخصیت و کیفیت شهر به‌عنوان یک کل و روابط اجتماعی و مکانی جاری در آن است. کم‌رنگ شدن فضای عمومی، از دست دادن ایده شهر محسوب می‌شود. در بیشتر موارد به دلیل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، فضای عمومی بیشتر به‌عنوان یک موضوع لوکس و تجملی و نه یک ضرورت مورد توجه است (Madanipour, 2010, 3-4). فضای عمومی به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و مدنی، ابزاری سیاسی برای اعمال یا براندازی کنترل نهادی، عامل محرک اقتصادی و بستری برای گذران روزمرگی‌ها و تجربه فردی و جمعی زندگی شهری، همواره قرارگاهی استراتژیک در شهرها بوده و به شکل چندگانه مورد استفاده انسان‌ها و نهادهای قدرتمند قرار داشته است. امروزه به دلیل تحولاتی نظیر قدرت یافتن پارادایم مبتنی بر بازار، مداخله ساختاری دولت در قالب طرح‌های توسعه و تأکید بخش خصوصی بر بازگشت سرمایه در طرح‌ها، شاهد شکل‌گیری موج علاقه به فضای عمومی به‌عنوان یک دغدغه اجتماعی و سیاسی و مسئله تحقیقات دانشگاهی هستیم.

بخشی از آینده شهرها، به فضاهای عمومی آنها بستگی دارد و ما باید شهرها را بر اساس تکامل و تحول فضاهای عمومی مورد توجه قرار دهیم. ابهامات فضای عمومی به‌عنوان یک مکان، ایده، ایده‌آل و مفهوم مناقشه‌برانگیز بسیار زیاد بوده و منجر به اختلاف نظر میان نویسندگان مختلف شده است (Mitchell, 1996, 128). به‌گونه‌ای که در تبیین ویژگی‌های ماهوی و عملکردی، عوامل دخیل و فرایند شکل‌گیری فضای عمومی یکپارچگی وجود نداشته و شاهد دامنه مفهومی گسترده، متنوع و در مواردی متناقض هستیم. تئوریزه ساختن ابعاد مختلف مفهومی فضای عمومی، مسئله‌ای ضروری جهت رفع بسیاری از معضلات اجتماعی، اقتصادی و مدنی در شهر و توسعه محورهای مطالعاتی دیگری چون آسیب‌شناسی و تبیین معیارهای کارآمدی فضای عمومی است. بر این اساس پژوهش حاضر در جستجوی تدقیق ابعاد مختلف مفهوم فضای عمومی است به‌گونه‌ای که دربردارنده عوامل مختلف دخیل در شکل‌گیری آن بوده و به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد:

– مرور ادبیات نظری در زمینه مفهوم فضا در حوزه عمومی شهر، نشان‌دهنده چه تعارضات و نقاط واگرایی در تعریف است؟
– چه تعریفی می‌توان برای فضای عمومی ارائه داد که

جامع ابعاد ماهوی و عملکردی آن بوده و مانع از خطاها و تناقضات نظریات پیشین باشد؟
– نقش عاملیت‌های مختلف در شکل‌گیری فرامفهوم «فضای عمومی» چیست؟

روش و استراتژی کلی تحقیق

مرور ادبیات روشی کمابیش سیستماتیک برای بررسی و ترکیب پژوهش‌های پیشین است که با یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های مختلف، به ارائه نمای کلی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای کمک می‌کند (Baumeister & Leary, 1997; Tranfield, Denyer & Smart, 2003; Snyder, 2019, 333). مرور نیمه‌سیستماتیک یا روایتی^۱، روشی مناسب برای بررسی موضوعاتی است که به اشکال متفاوت در رشته‌های مختلف مفهوم‌سازی شده‌اند (Wong, Greenhalgh, Westhorp, Buckingham & Pawson, 2013). میان‌رشته‌ای بودن مفهوم فضای عمومی، روش مذکور را برای مرور ادبیات پژوهش در این حوزه مؤثر می‌سازد. هدف اصلی مرور روایی به چالش کشیدن نظریات موجود و فراهم‌آوری فرصتی برای مفهوم‌سازی مجدد پدیده مورد بررسی است (Frank & Hatak, 2014, 101-102). بر این اساس جمع‌آوری داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، با هدف پوشش حداکثری مواضع نظری مختلف درباره کلیدواژه فضای عمومی صورت گرفته و ۱۴۵ عنوان مقاله و کتاب با زمینه موضوعی فضای عمومی، از منابع معتبر منتشرشده از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۲۲ م. از پایگاه‌های معتبر داده انتخاب شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

• تجزیه و تحلیل یافته‌ها

داده‌های حاصل از مطالعه کتابخانه‌ای با هدف توصیف چگونگی مفهوم‌سازی پدیده فضای عمومی، در یک فرایند فراتحلیل^۲ به روش تحلیل محتوا^۳ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. فرایند ساماندهی داده‌ها و گزارش الگوها در روش تحلیل محتوا شامل کدگذاری، جمع‌آوری کدها تحت مضامین فرعی یا بالقوه و مقایسه خوشه‌های کدگذاری شده با یکدیگر و کل داده‌هاست (Vaismoradi, Jones, Turunen & Snelgrove, 2016, 101; Vaismoradi, Turunen & Bondas, 2013, 5; Braun & Clarke, 2006). بر این اساس با استفاده از استدلال استنتاجی، داده‌های واقعی و ملموس گردآوری شده به مفاهیم انتزاعی‌تری تبدیل شده و از ارتباط میان مفاهیم، دستگاه نظری پیرامون مفهوم «فضای عمومی» ساختار یافت.

• ساختار مفهومی مرور

با توجه به اهداف پژوهش، محورهای اصلی تحقیق در مرحله جمع‌آوری داده‌ها و زیرمجموعه‌های اصلی تحلیل داده‌ها شامل موارد زیر است:

- تلاقی دیدگاه‌ها و کشف نقاط واگرایی در تعریف فضای عمومی
- ویژگی‌های ماهوی فضای عمومی
- ابعاد عملکردی فضای عمومی

مبانی نظری

• تلاقی دیدگاه‌ها درباره فضای عمومی

اصطلاح «عمومی» یک مفهوم اصلی برای تفسیر زندگی جمعی بشر است. در یک حوزه عمومیت، شهروندان ظرفیت‌ها و هویت‌های مشورتی خود را توسعه می‌دهند و تفکر چندگانه درباره خود را به یک منفعت مشترک شناخته‌شده تبدیل می‌کنند (Arendt, 1958; Habermas, 1962; Sennett, 1977). اگرچه بسیاری از اندیشمندان نسبت حوزه عمومی و فضای عمومی را، یک رابطه علی-معلولی بدیهی دانسته (Ryan, 1998; Matthews, 1992; Zukin, 1995) و فضای عمومی را بیان مادی و عامل تداوم و توسعه حوزه عمومی معرفی می‌کنند (Castells, 2008, 79) اما مفهوم فضای عمومی در روند تحولات معنایی خود، سیری پویا و متغیر داشته و اندیشمندان تعاریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. کشف تعارضات و نقاط واگرایی در تعریف فضای عمومی ممکن است در بازتعریف آن مفید باشد.

- عمومی نقطه مقابل خصوصی است؟ عدم توافق درباره دوگانه فضای عمومی و فضای خصوصی

در برخی از تعاریف آرمان‌گرایانه فضای عمومی با ارجاع به پدیده‌های تاریخی چون آگوراها، با تضاد بین فضای عمومی و خصوصی گره خورده است؛ فضای عمومی فضایی آزاد برای عموم است که توسط اشخاص یا سازمان‌های خصوصی کنترل نمی‌شود (Madanipour, 1996, 144) و از نظر قوانین دسترسی، منبع، ماهیت، کنترل ورود به فضا، رفتارهای فردی و جمعی مجاز و قوانین استفاده، متفاوت از فضای خصوصی است (Low & Smith, 2006, 3-4). بر این اساس معیارهایی برای سنجش عمومیت فضا تعریف شده است از جمله عمومی بودن معیارهایی نظیر دسترسی، نمایندگی، بهره، مالکیت، مدیریت، استفاده کاربران، کنترل و وجود صفاتی چون بین‌الذنهانی بودن، مدنیت و پویایی (Madanipour, 1999; Kohn, 2004, 9-12; Németh & Schmidt, 2011a; Johnson & Glover, 2013, 193; Varna & Tiesdell, 2010, 678).

در دوران معاصر تعریف فضای عمومی در نقطه مقابل فضای خصوصی، ساده و غیرعملی است؛ ارتباط این دو صفت تقابلی و تابع قانون صفر و یک نیست. ما با هولوغرامی از فضاهای عمومی و خصوصی مواجه هستیم. فضای عمومی یک مفهوم خوشه‌ای (Kohn, 2004, 9-12)، یک منطقه خاکستری

وسیع از «فضاهای اجتماعی» با درجات عملکردی متفاوت (Kohn, 2004, 6)، شامل طیفی از گونه‌های متقاطع و دارای همپوشانی (Dovey & Pafka, 2020, 234) و قابل جایگزینی با اصطلاح «شبه‌عمومی» (Langstraat & Van Melik, 2013, 1) تعریف شده است. تمایز عمومی و خصوصی پویا و شکل‌پذیر است و فراتر از یک مخالفت زوجی و قابل تقلیل، یک خانواده پیچیده را شامل می‌شود (Weintraub, 1997, 2). فضای عمومی هرگز همگن نبوده و عمومیت به جای مفهومی مطلق، یک کیفیت نسبی است و در هر فضا معنایی متفاوت دارد (De Magalhães, 2010, 563; Low & Smith, 2006, 3). عمومیت از کنش‌های فردی و جمعی و زمینه و زمان خاص خود نشأت گرفته و نمی‌توان آن را رمانتیک یا ساده‌سازی کرد (Karimnia & Haas, 2020, 40).

تحولات فعلی نشانگر از بین رفتن تمایز آشکار فضای عمومی و خصوصی و ظهور فضاهای ترکیبی مربوط به حوزه‌های عمومی، نیمه‌دولتی، نیمه‌خصوصی و خصوصی است (Nissen, 2008, 1129-1130; Gałkowski & Antosz, 2022). موفقیت فضاهای اجتماعی ترکیبی که در نتیجه برنامه‌ریزی مناسب توسعه‌دهندگان بخش خصوصی، تماس با غریبه‌ها را تسهیل و زندگی عمومی را شبیه‌سازی می‌کنند؛ حاکی از آن است که قضاوت اهمیت بیشتر فضای عمومی، دیدگاهی یک‌جانبه، سهل‌انگارانه و همراه با پیش‌داوری است (Sennett, 1977; Sorkin, 1992; Mitchell, 1995; Pojani, 2008; Kohn, 2004, 150). ظهور طبقه‌بندی‌های جدید از فضای عمومی بر اساس نقش نظارتی دولت و مدیریت مشارکتی چندمنظوره میان شرکای عمومی و خصوصی، مورد توجه برخی از اندیشمندان بوده است (De Magalhães, 2010, 563; Langstraat & Van Malik, 2013, 1; Johnson & Glover, 2013, 19; Blackmar, 2006; Leclercq, Pojani & Van Bueren, 2020, 9). در عین حال تمایز، تلاقی و تعادل پویای حوزه خصوصی و عمومی، تابعی از حقوق، معانی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده و یک اصل اساسی در سازماندهی فضای شهرها و زندگی اجتماعی شهروندان است (Madanipour, 2006, 1; Carr, Francis, Rivlin & Stone, 1992, 3 & 22). مدیریت فضا در شهرهای امروزی نیازمند تعیین عملکردها، معانی و روابط جدید میان حوزه‌های خصوصی و عمومی و ایجاد مرزی متخلخل و پرجزئیات است که از منافع و حقوق فردی و جمعی محافظت می‌کند (Madanipour, 2003, 211).

- نگاه ایده‌آلیستی یا واقع‌گرا؟ عدم توافق درباره ماهیت دموکراتیک فضای عمومی

در تعاریف آرمان‌گرا، فضاهای عمومی مکان‌هایی با دسترسی بدون محدودیت و زمینه فعالیت فردی و گروهی همه مردم

موارد استراتژی‌های استفاده‌شده با هدف بهبود نظم و امنیت مکان‌ها، تبعیض‌آمیز است (Blomley, 2010 Flusty). مفاهیم تجدیدحیات و باززنده‌سازی با به‌حاشیه‌راندن برخی از گروه‌های اجتماعی «بسیار انتخابی و دارای تبعیض سیستماتیک» هستند (McLeod, 2002, 605; Mehta, 2019, 16). همکاران، (۱۴۰۱، ۱۸). با این وجود ایده فضای عمومی فراگیر به‌عنوان یک ایده‌آل شایسته است، حتی اگر هرگز نتواند از همه فعالیت‌ها، رفتارها و طیف‌های مختلف زندگی عمومی پشتیبانی کند (Mehta, 2014, 58).

- فضای اجتماعی یا فضای فراغت فردی؟ ابهام در میزان اجتماعی‌بودن فضای عمومی

برخی از اندیشمندان با تأکید بر نقش اجتماعی فضای عمومی معتقدند «فضای عمومی عرصه‌ای ضروری است که فرصت‌هایی را برای افراد و جوامع در جهت توسعه و غنی‌سازی زندگی‌شان فراهم می‌کند» (Thomas, 1991, 222). در نقطه مقابل برخی ایده اجتماعی‌بودن فضای عمومی را تصویری ساختگی و مبالغه‌آمیز می‌دانند. بریل (1989) نوشتارهای مربوط به فضای عمومی را «ادبیات ضرر» و آلوده به نوستالژی و عزاداری می‌داند و مدعی است بخش بزرگی از زندگی عمومی از بین نرفته زیرا هرگز اتفاق نیفتاده است (Brill, 1989). حتی وقتی فضای عمومی برای همه کاملاً در دسترس است، اغلب کاربران برای به‌حداقل رساندن درگیری، خود را در طول زمان و مکان از دیگران جدا می‌کنند (Mehta, 2014, 54). ارتباط اجتماعی فعال و منفعل در فضای عمومی زمینه «یادگیری جهان‌وطنی»، آموزش شهرنشینی، تحمل، شانه‌سایی و تعاملات اجتماعی ناپایدار با افراد متفاوت در روند زندگی روزمره است (Lofland, 1998, 243).

برخی بر این باورند که غیراجتماعی‌بودن فضاهای عمومی معاصر، بخشی از روند تحول تاریخی شهر است. فضاهای عمومی آینه پیچیدگی‌های جوامع شهری هستند و با دگرگونی پیوندهای اجتماعی میان افراد، به محل انباشتگی افراد متمیزه تبدیل شده‌اند (Madanipour, 2010, 1) و به نوعی محل تجربه زندگی خصوصی محسوب می‌شوند (Kumar & Makarova, 2008). حس ضرر اغراق‌شده ناشی از کم‌رنگ‌شدن بعد اجتماعی فضاهای عمومی، اهمیت تجربه اوقات فراغت در ملاء عام و سرریز خصوصی در فضاهای عمومی را زیر سؤال می‌برد (Banerjee, 2001, Johnson & Glover, 2013, 193). تفاوت شخصیتی افراد و نحوه تعامل آنها با محیط و دیگران، یکی از دلایل عدم موفقیت نظریه‌های اجتماعی‌سازی فضا است. خیال‌انگیزترین تلاش‌ها برای مهندسی تعامل اجتماعی در فضا، از نظر هنجاری دوسوگرا هستند؛ برخی از افراد ممکن است به دنبال ایجاد همبستگی

معرفی می‌شوند (Carr et al., 1992, 50; Jalaladdini & Oktay, 2012, 666; Atkinson, 2003, 1830). در نقطه مقابل تعاریف واقع‌گرا، مدعی رمانتیزه‌شدن فضای عمومی هستند چرا که در نتیجه خصوصی‌سازی، تفکیک مکانی و اشکال مختلف طرد در روند تاریخی شکل‌گیری آن دسترسی آزادانه و دموکراتیک به طور کامل برای همه افراد وجود نداشته است (Jackson, 1998, 176; Amin, 2008; Francis, 1989; Gholamhosseini, Pojani, Mateo-Babiano, Johnson & Minnery, 2018; Luger & Lees, 2020, 74; Nissen, 2008, 1144-1145; Koch & Latham, 2012, 4). نمونه بارز این اختلاف در دیدگاه‌های متفاوت درباره آگوراها دیده می‌شود. برخی با اعتقاد به اهمیت ایدئولوژیک فضای عمومی در جوامع دموکراتیک، آگورا را محل شهروندی و تعامل بدون واسطه تعریف کرده‌اند (Hartley, 1992, 29-30; Mitchell, 1995, 116). در نقطه مقابل مفسران دیگر یادآور می‌شوند که آگوراها در نتیجه محرومیت زنان و اقلیت‌ها، کاملاً دموکراتیک نبوده‌اند (Ruddick, 1996).

توجه به عمومیت و اعمال فضایی به‌عنوان یک مؤلفه قابل‌تخصیص میان افرادی با ایده‌ها و خواسته‌های متفاوت، مطلق‌بودن عمومیت را زیر سؤال می‌برد (Karimnia & Haas, 2020, 40). در واقعیت سیاست‌های فرادستی تعیین می‌کنند که چه کسی و چه چیزی، کجا و چگونه «عمومی» و/یا «سیاسی» به شمار می‌آید (Lees, 1998, 232). پرداختن به پرسش «فضای عمومی متعلق به کیست؟» با روشن ساختن اشکال مختلف طرد سیستماتیک، نور منفی بر رویه طراحی فضای عمومی دموکراتیک می‌افکند (Madanipour, 1995 & 2010). پارادوکس و انتزاعی در معنای دموکراتیک فضای عمومی نهفته است؛ عموم حاضر در فضا به شکل تاریخی، با دقت انتخاب شده و از نظر ترکیب همگن هستند (Mitchell, 1995, 116). از این رو مفهوم فضای عمومی «ساختاری عمیقاً مسئله‌دار» است (Marston, 1990). در حالی که برخی احساس می‌کنند فضای پر از افراد بی‌خانمان واقعاً عمومی است؛ دورنمای آن ممکن است کاربران دیگر را از فضا دور کند (Németh, 2012, 813). همچنین در مواردی فضای عمومی استثناء‌محور با تقویت مرزهای اجتماعی به شکل ایدئولوژیکی و مادی به نفع طبقات اقتصادی بالاتر به توسعه شهری کمک می‌کند (Van Deusen, 2002, 154-155).

مفهوم فضای عمومی در گذر زمان دچار فانتزی نوستالژیک شده است؛ مفاهیم عمومی و عموم، جهانی و ثابت نبوده و از درگیری مداوم میان عاملیت‌های متعدد در تلاش برای تملک «فضا» شکل می‌گیرند. اگرچه اعمال کنترل بر فضا نظیر مالکیت دولتی، روشی برای تضمین دسترسی و استفاده آزاد محسوب می‌شود (Madanipour, 2003)، اما در بسیاری

کدهای اجرایی، به طور ضمنی بر تخصیص فضای عمومی در فرایندی خودتنظیم نظارت می‌کنند (Van Oostrum, 2022). در نتیجه تغییرات ژئوپلیتیک اخیر و افزایش جهانی جنبش‌ها، فضاهای عمومی استبدادی و لیبرال-دموکراتیک با فوران‌هایی از دموکراسی، احیاء و مجدداً تصاحب می‌شوند (Luger & Lees, 2020, 74; Smith & Low, 2021, 54). تغییراتی چون ظهور فضاهای ترکیبی، به‌روزشدن فناوری‌ها و تحول کاربری، فرصت‌های جدیدی را برای تولید، بهبود، تکامل و یا افزایش فضای عمومی ایجاد می‌کنند (Mehta & Palazzo, 2020, 514).

از تلاقی دیدگاه‌ها در پروبلماتیک فضای عمومی می‌توان نتیجه گرفت وجود دو رویکرد مطلق‌گرا (بخشی‌نگر، ایده‌آلیستی، نوستالژیک) و نسبی‌گرا (جامع‌نگر، واقع‌گرا)، ریشه‌شکل‌گیری تعاریف متفاوت و متناقض از «فضای عمومی» است. اغلب دیدگاه‌های مطلق‌گرا فضای عمومی را مفهومی ثابت و فارغ از متغیرهایی چون مخاطبان تغییریابنده و نیروهای بستر و زمینه، در نظر گرفته‌اند. در حالی که در دیدگاه نگاه نسبی‌گرا فضای عمومی به‌عنوان یک نهاد قانونی، نظریه‌سیاسی و فضای مادی، از دیالکتیک میان منافع عمومی و خصوصی، انحصارگرایی و همه‌شمولی، فراغت و کنش اجتماعی و مدنی، نظم و بی‌نظمی، عقلانیت‌گرایی و احساسات ایده‌آلیستی تولید شده و از این رو اساساً ماهیتی متناقض و ساختاری چندعملکردی دارد. این مسئله ضرورت بررسی ویژگی‌های ماهوی و عملکردی فضای عمومی را به‌عنوان نقاط واگرایی در تعاریف، جهت رسیدن به تعریفی صحیح و کل‌نگر ضروری می‌سازد (جدول ۱).

ماهیت فضای عمومی

• ماهیت مورد ادعا و مناقشه

مفهوم فضای عمومی به‌عنوان یک انگاره مشخص، محصول تاریخی شکل‌یافته از تمایز میان دولت نماینده، جامعه مدنی و بازار است (Habermas, 1991) و فضایی مورد استفاده مردم به‌عنوان یک کل به شمار می‌آید که توسط دولت نظم یافته و اداره می‌شود (Madanipour, 2003, 98 & 204). فضای عمومی مفهومی ترکیبی و متناقض از فضا (Mitchell, 2005, 137) و برخوردار از ماهیت مورد مناقشه تحت تأثیر زمینه پیچیده اقتصادی-اجتماعی و سیاسی (Carmona, 2014b, 4)، محل راه‌اندازی اختلافات اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی (Malone, 2002, 160)، نتیجه مذاکره و رقابت اجتماعی و برابری نیروهای چندوجهی و فراتر از شکل‌گیری فردی یا گروهی (Mitchell, 1996, 130) شناخته می‌شود.

فضای عمومی به‌عنوان فضای معضل مطرح است که نهادها و

با دیگران و شهر باشند، در حالی ممکن است افراد چنین نباشند (Amin, 2008, 7).

- دوگانه تغییر شکل یا زوال؟ عدم توافق درباره چگونگی تحولات و آینده فضای عمومی

زوال زندگی و فضای عمومی در دوران معاصر با عناوین استعاره‌ی مختلفی چون «سقوط انسان عمومی» (Sennett, 2017)، «بولینگ تنها» (Putnam, 2000)، «تنها با هم» (Amato, Booth, Johnson & Rogers, 2009)، «پایان فضای عمومی» (Sorkin, 1992) و «ظهور شهرهای قلعه‌ای» (Christopherson, 1994; Low, 1997) مورد توجه قرار داشته است. گروهی مدعی تحول فضای عمومی با ایجاد اشکال جدید فضا نظیر فضای مجازی و پررنگ شدن فضاهای خصوصی به جای فضاهای تجمع عمومی‌اند (Hatuka, 2020, 364). با انتخاب آگاهانه زندگی خصوصی توسط انسان معاصر و نادیده گرفتن مشترکات تحت عناوین «سندرم خودمختاری-کناره‌گیری» و «آگورافوبیا»، قلمرو وجودی فضای عمومی از زندگی جمعی حذف می‌شود (Banerjee, 2020, 506). برخی نیز معتقدند فضاهای عمومی جدید، با جدا شدن از گفتمان‌های دموکراتیزاسیون، شهروندی و خودتوسعه‌گی به مصرف، تجارت و نظارت اجتماعی اتصال می‌یابند. چنین مکان‌هایی نمایانگر «عمومیت بدون دموکراسی» هستند (Madden, 2010, 187).

رو به زوال دانستن فضای عمومی از دیدگاه نظری محدودی ناشی می‌شود که با نادیده انگاشتن گونه‌های مختلف فضا، تغییرات شمار محدودی از فضاهای عمومی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. این تصور از تعاریف بسیار محدود و هنجاری از مفاهیم «عمومی» و «فضا» سرچشمه می‌گیرد (Crawford, 2021, 26). کرمونا (Carmona, 2010b) در پژوهشی مروری-انتقادی با استدلال‌های مختلفی چون تغییر جامعه و فضا، اهداف متفاوت استفاده از فضا و حتی بهبود فضا در اثر تغییرات نتیجه‌گیری می‌کند که تحولات اخیر فضاهای عمومی الزاماً منفی نیست (Carmona, 2010b, 160-164). همه نظریات از پایان محتمل فضای عمومی پشتیبانی نمی‌کنند. حوزه عمومی معاصر نوع متفاوتی از مکان است که از طریق اشکال جدید حکمرانی، جریان سرمایه و فناوری ایجاد می‌شود (Low, 2009, 1640-1641). در جوامع معاصر، بسیاری از عملکردهای عمومی به قلمروها و فضاهای خصوصی، مجازی و مشروطه منتقل شده‌اند (Brill, 1989; Rybczynski, 1993; Banerjee, 2001; Castells, 2000).

برخی معتقدند فضای عمومی رو به زوال نبوده و در حال گسترش است. مردم به شکلی فزاینده و با کم‌ترین توجه به رژیم‌های مالکیت یا مدیریت، از فضاهای عمومی مختلف استفاده می‌کنند (Worpole & Knox, 2007) و با وضع

جدول ۱. پروبلماتیک فضای عمومی در تلاقی دیدگاه‌های معارض. مأخذ: نگارندگان.

| مستأله فضای عمومی | رویکرد مطلق گرا | رویکرد نسبی گرا |
|----------------------------------|--|---|
| دو گانه فضای عمومی و فضای خصوصی | تعریف فضای عمومی در نقطه مقابل فضای خصوصی بر اساس معیارهایی چون مالکیت و دسترسی | - ظهور فضاهای ترکیبی و شبه عمومی و موفقیت برخی از آنها - اختلاف پویا، شکل پذیر و غیرتقابلی فضای خصوصی و عمومی - وجود طیف و منطقه خاکستری از خصوصی ترین تا عمومی ترین، نسبی و خوشه‌ای بودن عمومیت فضا |
| حدود فراگیری و ویژگی دموکراتیک | تساوی در دسترسی بدون محدودیت برای همگان تقدیس فراگیری فضاهایی چون آگورها | - عدم پشتیبانی از همه فعالیت‌ها، افراد و رفتارهای مختلف تفکیک مکانی و اشکال مختلف طرد و تبعیض - خصوصی سازی و شکل گیری فضاهای استثنا محور - انتزاعی، غیرمطلق و متناقض بودن عمومیت فضا |
| میزان اجتماعی بودن فضای عمومی | اثرگذاری مثبت فضای عمومی در توسعه زندگی اجتماعی فضای عمومی به عنوان محل یادگیری جهان وطنی، تحمل، شانه سایی و تعاملات اجتماعی ناپایدار | - تجربه اوقات فراغت در ملاء عام و سرریز زندگی خصوصی در فضای عمومی - اهمیت تفاوت شخصیتی افراد، نحوه تعامل آنها با محیط - توجه به اجتماعی بودن به عنوان یک انتخاب و امکان |
| چگونگی تحولات و آینده فضای عمومی | منفی بودن تحولات و زوال فضای عمومی در نتیجه خصوصی سازی و انتخاب آگاهانه انسان مدرن شکل گیری عمومیت بدون دموکراسی در نتیجه پیوست فضا با مصرف، تجارت و نظارت اجتماعی | - تغییر شکل و انطباق فضای عمومی با تغییر جامعه، زمینه و... - ظهور اشکال جدید فضای عمومی نظیر فضای خصوصی، مجازی و مشروطه - تکامل، افزایش و گسترش فضای عمومی با افزایش جهانی جنبش‌ها و به روز شدن فناوری‌ها |

گروه‌های مختلف ذی نفعان در کلیت خویش یکپارچه نیستند؛ زیرا شامل اقشار اجتماعی مختلف‌اند و در این اقشار تفاوت‌های فردی زیادی وجود دارد (Madanipour, 2010, 9). یکی از بنیان‌های شکل‌گیری فضای عمومی ادعاها، استفاده‌ها و مقاصد مختلفی است که در ارتباط با آن وجود دارد و هر یک معنا و بعدی جدید به آن می‌بخشند. در نتیجه این امر، ماهیت فضای عمومی مورد مناقشه، ترکیبی و گاه متناقض شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که در نتیجه عدم اتفاق نظر میان گروه‌های اصلی ذی نفع، رقابت بر سر فضا و دیالکتیک میان مؤلفه‌های اثرگذار شدت گرفته و ادعاسازی، انحصاری سازی و خصوصی سازی فضا نیز یکی از نتایج این امر است.

• ماهیت پویا و متغیر

شهر به عنوان ظرفی از «عموم»های متعدد مطرح بوده و بازیگران متنوعی با فضای عمومی هم‌سان‌پنداری می‌کنند (Mehta & Palazzo, 2020, 333). با در نظر گرفتن سطوح مختلفی از عمومیت، فضای عمومی محل شکل‌گیری قدرت و کنش جمعی است و هستی آن دائماً تغییر می‌کند (Karimnia & Haas, 2020, 38). فضای عمومی نشان‌دهنده پویایی اجتماعی-سیاسی یک زمان و مکان خاص است (Hatuka, 2020, 358). بر این اساس مفهوم عمومیت «بینابینی» (Aelbrecht, 2016) و فضای عمومی مقوله‌ای پویاست که از طریق معانی تغییر یابنده و لحظه‌های تجدیدنظر، ادراکات ما را از معانی مورد توافق تغییر می‌دهد (Hatuka, 2010). منشأ فضای عمومی هر چه باشد، وضعیت آن به عنوان

شهروندان در آن، ادعاهایی را برای شناخته شدن مطرح می‌کنند (Goheen, 1998, 479). فضای عمومی در این معنا، رسانه و کانالیزوری برای شرکت بازیگران مختلف در تولید عمومی (Karimnia & Haas, 2020, 36)، مکان تعامل پیچیده چندین ذی نفع (Zamanifard, Alizadeh & Bosman, 2018, 1)، مخزن خاطرات جمعی و مولد شیوه‌های فرهنگی و هم‌زمان دیالوگی و دیالکتیکی است (Kirby, 2008, 78-79). درباره فضای عمومی به معنای اختلاف میان شیوه‌های مفهوم سازی فضای عمومی توسط اعضای جامعه است. این عبارت منعکس کننده مواضع واضح ایدئولوژیک است که به یکی از دو قطب «مردم و مدیران» مربوط می‌شود (Mitchell, 1995, 127).

فضاهای عمومی، به عنوان محیط‌هایی با ذی نفعان چندگانه شناخته می‌شوند (مجیدی، منصوری، صابر نژاد و براتی، ۱۳۹۸، ۵۴). در عرصه عملیاتی شهرداری‌ها، شهروندان، مصرف‌کنندگان و توسعه‌دهندگان، درگیر یک مبارزه مداوم برای تعریف و کنترل فضا هستند (Kohn, 2004, 11). برنامه‌ریزان حداکثر بازده سرمایه‌گذاری و پتانسیل فضایی و طراحان رفاه فضایی با توجه به مسائل زیبایی‌شناختی و کاربردی را مورد توجه قرار می‌دهند (Carmona, 2014b, 21). شهروندان به فضای عمومی به عنوان مکان نمایش حقوق جمعی، نمایشات و بیاناتشان نگاه کرده و ارزش‌های اجتماعی و سیاسی هم‌زمان مورد توافق و مناقشه را به فضای عمومی نسبت می‌دهند (Goheen, 1994, 430-431). از سوی دیگر

این امر فضای عمومی ماهیتی دوقطبی و موجودیتی متناوب میان عمومیت و استثناء و انحصارگرایی و همه‌شمولی دارد و قابل‌گنجایش در الگویی ثابت نیست.

• ماهیت معنادار، نمادین و بیانگر

فضاهای عمومی مکان نمایش و بزرگداشت روایات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و یادآور قدرت یک گروه هستند (Hatuka 2012). استفاده از فضای عمومی یک پراکتیک فرهنگی و هم‌زمان منعکس‌کننده و شکل‌دهنده به شیوه‌های روزمره‌ای است که به‌واسطه آن فرهنگ جمعی ما در حال تغییر است (Rishbeth, 2020, 32). این مسئله بحث درباره فضای عمومی را از ابژه به فرایند فیزیکی-اجتماعی محیط ساخته‌شده و روندی از تغییر معانی به‌عنوان یک زنجیره اجتماعی-فضایی از کنش‌ها تغییر می‌دهد (Hatuka, 2010). عمومی‌بودن فضا، تابعی از عدم کنترل فرد یا گروهی کوچک و استفاده جمعی از فضا برای اهداف متنوع و کاربردی نمادین است (Madanipour, 2003). نمادینی فضاهای عمومی همواره با نقش‌آفرینی در مراسم‌ها و جشنواره‌ها و همچنین اعتراضات و درگیری‌ها، ارزش جمعی نمادین برای شهروندان داشته‌اند و دارای اهمیت (Madanipour, 2006, 187). فضای عمومی دارای اهمیت نمادین و حاوی ارزش‌های جمعی است. شهروندان با استفاده از فضا برای اهداف خود، فضاهای عمومی معناداری ایجاد می‌کنند. در نتیجه فضا به یک منبع عمومی حاوی معانی پویا و قابل‌مذاکره تبدیل می‌شود (Goheen, 1998, 479).

امین (Amin, 2008)، معتقد است پیوند بین فضای عمومی و فرهنگ عمومی باید در پویایی کل-انسانی و غیرانسانی-یک مکان عمومی ردیابی شود. انگیزه‌ها و تکانه‌های جمعی فضای عمومی نتیجه پاسخ ملموس انسان به «تعدد واقع‌شده» و جمع‌شدن اجسام، کاربردها و نیازها در یک فضای فیزیکی مشترک است. بیانگری و معناداربودن یک فضای عمومی کیفیتی پویاست که از دو ویژگی ماهوی دیگر آن به‌ویژه «تغییرپذیری» سرچشمه می‌گیرد. به‌گونه‌ای که می‌توان متناسب با اهداف متنوع کاربران، معانی متعددی را در نظر گرفت. اگرچه استمرار برخی رویدادها و عملکردها، به فضا بعد ثابتی از بیانگری نظیر معنای سیاسی در طول تاریخ یک شهر می‌بخشد، اما در نگاه کلی شکل‌گیری معنای نمادین فضای عمومی، از فرایندی غیرخطی و در حال تحول تبعیت می‌کند.

ساختار چندعملکردی فضای عمومی

فضای عمومی فراتر از صحنه رقص‌آرایی زندگی روزمره، ساختاری چندعملکردی دارد. در طول تاریخ فضاهای عمومی، به‌عنوان گره‌هایی یکپارچه برای پاسخگویی به انواع نیازهای ابزاری (فردی) و بیانی (جمعی) کارکرد داشته‌اند. امروزه فضاهای عمومی به‌عنوان مکان‌هایی برای رشد فرد و جامعه

«عمومی» از مخالفت مداوم دیدگاه‌های دو گروه درباره ارزش فضا شکل می‌گیرد؛ از یک‌سو کسانی که به دنبال نظم، کنترل و تماشای نمایش زندگی روزمره هستند و از سوی دیگر کسانی که در جستجوی فعالیت سیاسی و تعامل بدون واسطه‌اند (Fraser, 1990; Mitchell, 1995, 115; Mitchell, 2006, 87-97). فضای عمومی فضای مشارکت و اعلام منافع جمعی و مشترک و در عین حال شکل‌گیری اختلافات میان گروه‌های مختلف است (Mehta, 2014, 58).

فضای عمومی منعکس‌کننده شرایط اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهر یا کشور زمینه‌خویش است و بنابر ویژگی‌های بستر ممکن است نماد ارزش‌های دموکراتیک یا قدرت دولت‌ها در کنترل مردم باشد (Pojani & Maci, 2015). فضای عمومی، زمینه‌ای مشترک و غالباً بی‌شکل است که در طول زمان دوام آورده، سازگار می‌شود و حس اجتماع و مکان در آن شکل می‌گیرد (Kullmann, 2020, 58). شکل‌گیری یک قلمرو عمومی مؤثر بر پایداری شهرها، تنها با درک ماهیت کاملاً باز، متخلخل و پویای فضاهای عمومی محقق می‌شود (Haas & Mehaffy, 2019).

نهادهای قدرتمند و افراد مختلف، با تغییرات فیزیکی و نهادی یا صور نرم‌تر و موقتی، بر ماهیت پویای فضای عمومی تأثیر می‌گذارند تا در فضا احساس امنیت کنند. حتی عمومی‌ترین فضاها برای یافتن هویت ثابت در یک بخش خاص از جامعه، طعم‌های خاص و ویژگی متفاوتی می‌یابند. فضاهای عمومی نه‌تنها با ادعا، بلکه با کناره‌گیری از حوزه عمومی شکل می‌گیرند (Madanipour, 2010, 237-238). «جامعه هم‌متنوع است و هم در حال تغییر؛ بر این مبنا فضای عمومی نیز تغییر می‌کند تا این مسئله را منعکس سازد» (Carmona, 2010b, 172). فضای عمومی فراتر از یک کالای کالبدی مشترک به زمان نیز مربوط بوده و معنا، نقش و فعالیت آن به اقتضای زمان تغییر می‌کند (Mehta & Palazzo, 2020, 333). فضای عمومی به‌عنوان یک تجربه نتیجه عوامل متعددی است از جمله: روندها و هنجارهای تاریخی، حالت‌های متنوع حاکمیت، قوانین و مقررات، سنت‌های فرهنگی، اولویت‌های سیاسی، تعادل بین نیروهای سیاسی و بازار و... (Carmona, 2010b, 164). علی‌رغم ثابت‌ماندن کالبد فضا در فرایندهای طراحی و توسعه، الگوی استفاده، ماهیت و معنای فضای عمومی برای جمعیت شهری تغییر می‌کند (Madanipour, 2010, 239). ماهیت فضای عمومی، متأثر از خواسته‌ها و اهداف متفاوت ذی‌نفعان، تغییر شرایط و ویژگی‌های زمینه به‌عنوان منشأ شکل‌گیری و دگرگونی الگوهای استفاده و مشخصات فرهنگی جامعه در طول زمان تحول می‌یابد. مطابق با نیازهای مختلف مخاطبان، تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از فضای عمومی وجود دارد. در نتیجه

مختلف با حضور در موقعیت اجتماعی فضاهای عمومی، گرد هم آمده و با یکدیگر تعامل دارند (Lofland, 1998; Watson, 2006; Rishbeth, 2020, 32). فضای عمومی تسهیل‌کننده نظم مدنی، فهم انسان از موقعیت خود در جهان و انتظار جامعه از تعاملات و عملکرد او «در انتظار عموم» است (Neal, 2009, 4-5 & 201). درجات مختلف روابط اجتماعی بین افراد در فضای عمومی، مورد توجه برخی از پژوهشگران بوده است (Gehl, 2011; Lofland, 1998; Spierings, Van Melik & Van Aalst, 2016; Mehta, 2019, 2; Stone, 1954). ابرقویی فرد و همکاران، (۱۳۹۹، ۲۴) و گستره متنوعی از تجربیات را در برمی‌گیرد از جمله:

-مرزبندی اجتماعی: کمترین میزان عملکرد اجتماعی فضای عمومی، مرزبندی اجتماعی است که با محدود شدن تماس و درک متقابل برای قابل تحمل شدن زندگی در کنار دیگران معنا می‌یابد و عامل اثرگذاری تجربه زیسته فضای شهری بر فرایندهای تشکیل گروه و هویت‌سازی است (Iveson, 1998, 158; Kohn, 2004, 30).

-اجتماع‌پذیری منفعل: با تعریف فضای عمومی به‌عنوان صحنه زیست مشترک و حضور هم‌زمان غریبه‌ها، اجتماع‌پذیری به گونه‌ای منفعل معنا می‌یابد. در این شرایط فضای عمومی امکان برخورد افراد متفاوت، تجربه لذت‌بخش تنهایی در جمع بدون تعامل اجتماعی مستقیم و محلی شدن از طریق انسانیت مشترک با غریبه‌ها را فراهم می‌سازد (Mitchell, 2003, 131; Mehta, 2019, 25; Carr et al., 1992, 3; Walzer, 1986, 470; Rishbeth, 2020, 32-33).

-بی‌توجهی و تحمل اجتماعی: فضای عمومی بر اساس قاعده «بی‌توجهی مدنی»، قلمرو تعامل مبهم میان افراد ناشناس است و نقش مهمی در ادغام، تحمل اجتماعی و حضور مشترک گروه‌های متنوع دارد. فضای عمومی واضح‌ترین بیان تنش میان مجاورت فیزیکی و فاصله اخلاقی شهروندان بوده و زمینه ارتباط اجتماعی با «یادگیری جهان‌وطنی» به معنای شانه‌سایی و ارتباطات ناپایدار با غریبه‌هاست (Tonnelat, 2010, 5; Madanipour, 2003; Bodnar, 2015, 2; Lofland, 1998, 243).

-نمایش اجتماعی: فضای عمومی به‌عنوان صحنه نمایش الزاماً بی‌طرفانه درام مداوم زندگی اجتماعی، فرصت‌هایی برای دیدن و دیده شدن، مورد توجه قرار گرفتن و شناخته شدن حین انجام امور عمومی به شهروندان ارائه می‌دهد و در بیان هویت‌های منحصر به فرد، درک افراد و نهادها و کشف داستان‌ها و سرشت هویت‌های خاص و بعضاً جمعی تأثیر دارد (Mensch, 2007, 31; Paay & Kjeldskov, 2008, 122; Sezer, 2020, 137; Madanipour, 2003, 110; Neal, 2009, 5; Orum & Neal, 2009, 210-211).

در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بیانگری فردی و گروهی، گفتگو و مناقشه، گذران اوقات فراغت، برگزاری گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها، اعتراضات و تظاهرات، تأمین اقتصادی و تبادل اطلاعات مطرح‌اند (Mehta & Palazzo, 2020, 2; Madanipour, 2010, 10; Mehta, 2014, 55; Hou, 2010, 2; براتی، حیدری و ستارزاد فتحی، ۱۳۹۸، ۱۴). با تعریف فضای عمومی بر مبنای مالکیت و کاربری عمومی (Blackmar, 2006; Blomley, 2005, 283-284; Staeheli, 1996, 602) عملکرد آن شکل‌گیری و تقویت امور اجتماعی و سیاسی مشترک اعضا (عموم) شناخته می‌شود (Mitchell, 1995, 116; Kirby, 2008, 77). مفهوم «عمومی» در نظریه سیاسی با شهروندی، حوزه عمومی، دموکراسی و جامعه مدنی و در نظریه اجتماعی با صمیمیت، زندگی و تماس اجتماعی و حس اجتماع در ارتباط است (Banerjee, 2020, 500). نیل و اروم (2009) عملکرد فضای عمومی را تسهیل نظم مدنی و توسعه روابط اجتماعی، مکانی برای قدرت و مقاومت با پرسش از نقش گرایش‌های سیاسی و صحنه‌ای برای نمایش و اجرا با تمرکز بر جنبه نمادین و اجتماعی فضای عمومی معرفی می‌کنند (Neal, 2009, 10 & 208-209).

فضای عمومی سفری از بینش به واقعیت را طی می‌کند و همچون گاه‌شماری از لحظه شکل‌گیری، در حال توسعه و تغییر است. به طور معمول فضای عمومی به شکل نمایشی با طیف وسیعی از کاربری‌ها آغاز می‌شود اما با گذشت زمان به سایر فعالیت‌ها اختصاص می‌یابد (Carmona, 2010, 171; Lefebvre, 1991, 39). فضای عمومی بنا بر ماهیت پویا و چندگانه خود، قابل تفکیک به فضایی صرفاً اجتماعی، مطلقاً سیاسی و منحصر به شخصی و فراغتی نیست و عملکردی هدایت‌گر در ابعاد اجتماعی و سیاسی حیات شهری دارد. به گونه‌ای که بسته به شرایط ممکن است تقویت‌کننده یا محدودکننده رخدادهای اجتماعی و سیاسی باشد.

• ماهیت و عملکرد اجتماعی فضای عمومی

کیفیت اجتماعی فضاهای عمومی تحت تأثیر فرایندهای قدرتمندی از تعامل و کنش‌های انسانی شکل می‌یابد که به‌واسطه آن همه گروه‌های جامعه با یکدیگر روبرو شده و مفهومی ترکیبی از عموم ارائه می‌دهند. فضای عمومی تنها شکل خود را از جامعه نمی‌گیرد؛ بلکه به آن پاسخ متقابل داده و عمیق‌ترین ساختارهای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر فضای عمومی بازتاب فضایی نظم اجتماعی و سیاسی مختص به جامعه‌ای خاص است که به آن خدمت می‌کند (ابرقویی فرد و منصوری، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۱؛ Sucker, 2010) و به‌عنوان شکل مادی قلمرو عمومی و مکان تعامل شهروندان، تأثیر سببی بر زندگی اجتماعی دارد (Goodsell, 2003, 211; Soja, 2003; Soja, 1980, 363). افراد از پس‌زمینه‌های

شکل‌گیری حس مکان، احساس تعلق به اجتماع و فضا، روابط اجتماعی پایدار، سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی و شناسایی و مالکیت مشترک و جمعی فضا به شکل نمادین از نتایج این مسئله است (Relf, 1976, 36; Ramlee, Omar, Yunus & Samadi, 2015, 363; Mehta, 2014, 59; Mehta, 2019, 29-31; Hester, 1984; Oldenburg, 1989; Madden, 2010, 190; Kohn, 2004, 11; منصورى و آتشین‌بار، ۱۳۹۳، ۱۶).

• ماهیت و عملکرد سیاسی فضای عمومی

دموکراسی یک پراکتیس فضایی است. برخی بحران فعلی دموکراسی را با کمبود فضایی مرتبط می‌دانند که با پیچیدگی‌های اجتماعی و کثرت‌گرایی فرهنگی همپا باشد (Melucci & Avritzer, 2000, 507). فضای عمومی صحنه مبارزات سیاسی سازمان‌یافته یا خودجوش شهروندان است و صحنه‌ای برای دیده، شنیده و شناخته‌شدن افراد بی‌صدا فراهم می‌کند. بر این اساس فضاهای عمومی تا زمانی عمومی هستند که توسط قدرت‌های مستقل «نگاشته» یا تحمیل نشده و با اعمال مدنی و اجتماعی «استفاده» و «تأسیس» شوند (Balibar, 2009, 201). تبدیل فضای خالی به یک فضای سیاست‌زده، حق بر فضا را به مردم تفویض می‌کند و شکل‌گیری فعالیت‌های مدنی و سیاسی، یکی از معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی دموکراتیک است (Tonnelat, 2010, 1; Koch & Latham, 2011, 3-4; Lee, 2009, 33). درباره میزان عمومی بودن یک فضا به لحاظ حق حضور و فعالیت سیاسی تعارض وجود دارد (Mitchell, 2003, 132) و عملکرد سیاسی فضای عمومی دربردارنده سطوح مختلفی از کنش‌های مدنی است از جمله:

- دسترسی و استفاده همگانی: ابتدایی‌ترین عملکرد سیاسی فضای عمومی، دسترسی‌پذیری و بهره‌مندی جسمی و روانی یکسان برای همه اعضا جامعه و عموم، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌هاست به‌گونه‌ای که امکان برخورد و گفتگوی افرادی از ایدئولوژی‌ها، فرهنگ‌ها و مواضع مختلف فراهم شود (Madanipour, 2010, 242; Joseph, 1998; Berman, 1986, 484؛ براتی و خادمی، ۱۳۹۷، ۲۰).

- روایت بی‌طرفانه دیدگاه‌های معارض: فضای عمومی با تهی‌بودن از محتوای قائم بالذات و امکان شناسایی گفتمان آزاد به دور از اجماع، سهم مهمی در دموکراتیزه‌شدن قلمرو عمومی، تصور فضایی و جهت‌گیری سیاسی به دور از اجبار دارد. فضای عمومی در این نقش احساس‌برانگیز و احضارکننده، محلی برای بی‌نظمی نسبی و پذیرش تفاوت‌ها در قالب یک عالم کوچک از نظم اجتماعی کامل‌تر است (Ruddick, 1996, 134-135; Deutsche, 1996; Amin, 2015, 254-255; Kohn, 2004, 156).

- ادغام اجتماعی و مدنی: شمایل‌نگاری فضای عمومی از طراحی فضا تا روال‌های استفاده، نوعی بیان نمادین و مداوم جریان‌ها و حالات فرهنگی است که با عجين‌ساختن فضای عمومی با معانی، از بین بردن موانع ارتباط، به چالش کشیدن کلیشه‌ها و روتین‌سازی زندگی روزمره و برخورد‌های زودگذر، به شکل‌گیری رابط‌های مدنی، همدلی و ادغام مدنی^۷ در جوامع کمک می‌کند (Amin, 2008, 13; Corcoran, 2012, 8-9; Vertovec, 2007, 4).

- برخورد‌های اجتماعی زودگذر: فضای عمومی بستر مناسبی برای مشارکت، بحث و اختلاط آزادانه غریبه‌ها و اجتماع‌پذیری زودگذر محسوب می‌شود. با تسهیل تماس‌های برنامه‌ریزی‌نشده و خودجوش میان غریبه‌ها و آشنایان، ضمن شکل‌گیری مسئولیت مدنی از طریق مذاکره درباره اختلاف و پذیرفتن نگرش‌ها و باورهای متنوع، سوژه فردی و ناشناس به سوژه اجتماعی تبدیل می‌شود (Mehta, 2019, 27; Mehta, 2014, 9; Kohn, 2004, 56; Amin, 2015, 241).

- تعامل اجتماعی پایدار: با استمرار عملکردهای اجتماعی چون تعاملات روزمره، گردهمایی‌ها و جشنواره‌ها، فضای عمومی به مکان اجتماع‌پذیری و تحقق جامعه ارتقاء می‌یابد. فضای عمومی جنبه مهمی از فرهنگ شهری و عرصه‌ای برای شکل‌گیری صدای جمعی و منافع مشترک بوده و با تقویت سرمایه اجتماعی و همدلی، تحقق فضیلت‌های متمدنانه‌ای چون دموکراسی، شهروندی خوب، مسئولیت مدنی و قرارداد اجتماعی را به همراه خواهد داشت (Johnson & Glover, 2013, 190; Inroy, 2000; Glasze, 2001, 163; Hou, 2010, 2; Aeschecher & Rios, 1995; Kohn, 2004, 159 & 148; Banerjee, 2001, 10; Mehta, 2014, 58).

- شناخت اجتماعی: «شناخت» دیگر افراد با شناخت انسان درون و دیدن خود از دریچه چشم دیگران ارتباطی پیوسته دارد. حضور در جهان مشترک فضاهای عمومی با تجربه فضایی، فرایند دیگری‌سازی، اعطای نقش به «خودی‌ها» و «خارجی‌ها»، ترسیم مرزهای هویتی و ارتباطات میان‌گروهی شناخت اجتماعی را میسر می‌سازد. فضای عمومی علاوه بر تقویت اجتماع‌پذیری و احساس اجتماع، مواجهه و همدردی با دیگران، ارتباط با دنیای پیرامون و تصور از خود و دیگران به‌عنوان شهروند را ممکن می‌سازد (Gehl, 2011, 21; Kohn, 2004, 156-159; Ruddick, 1996, 146; Ruddick, 2021, 81).

- تجربه مشترک مکان: فضای عمومی در اجتماعی‌ترین شکل، فضایی مشترکاً تجربه‌شده اما قابل‌درک از دید رفتار، مقاصد و تجارب فردی است که با شکل‌گیری پدیده مکان، ارتباطات بین‌الذهانی معنادار و تجربه همگانی فضای متعلق به «عموم» به معنای همه افراد به‌عنوان یک «کلیت» محقق می‌شود.

تحقق جامعه مدنی و دموکراسی، فضای عمومی یک موقعیت ایدئولوژیک مهم در جوامع دموکراتیک، عامل رفع اختلاف نظرها، مکان تحقق جامعه مدنی و نیل به منافع مشترک و جمعی و تحقق آرمان‌هایی چون آزادی و شهر خوب است. فضای عمومی در مرتبه بالاتر، بستر شکل‌گیری هویت مدنی با انحلال مکان فردی در محیط جمعی و ابزاری برای گردهمایی ساکنان، کاربران، مدیران و مقامات منتخب برای تصمیم‌گیری درباره تنظیم روابط نهادی و تعریف‌کننده معیارهایی برای سنجش سایر فضاها و فرایندهاست (Amin, 2006, 1021; Neal, 2009, 4; Kohn, 2004, 6; Mitchell, 1996, 116; Tonnelat, 2010, 8; Young, 1990, 240; Koch & Latham, 2011, 4; Harvey, 2013; i Rubió, 2021, 371).

در نگاهی کلی عملکرد اجتماعی فضای عمومی با حقوق مدنی شهروندان پیوند دارد؛ به گونه‌ای که مبارزه، محرومیت، بازنمایی و عدالت در رابطه با عملکرد دوگانه فضای عمومی قابل تفسیرند. ماهیت سیاسی فضای عمومی، به پویایی اجتماعی ذاتی آن دامن زده و نتیجه بالقوه بهره‌مندی یا محرومیت فضایی است. بودن انسان در فضا با بالفعل شدن نگرانی‌های جمعی و کسب مهارت‌های سیاسی، محور شکل‌گیری عملکرد اجتماعی و سیاسی فضای عمومی است که توسط برمن (1986) بر مبنای تفسیر مارکس از «فرد خودمحور» و «موجود جمعی» یا «شهروند و انسان مدنی» بازتعریف شده است (Berman, 1986, 476; Hatuka, 2022). در این تعریف ارتباط عملکرد اجتماعی و سیاسی فضای عمومی، پیوسته بوده و با تغییر نقش مخاطبان فضا، قابل تغییر و تبدیل است (تصویر ۱).

بحث

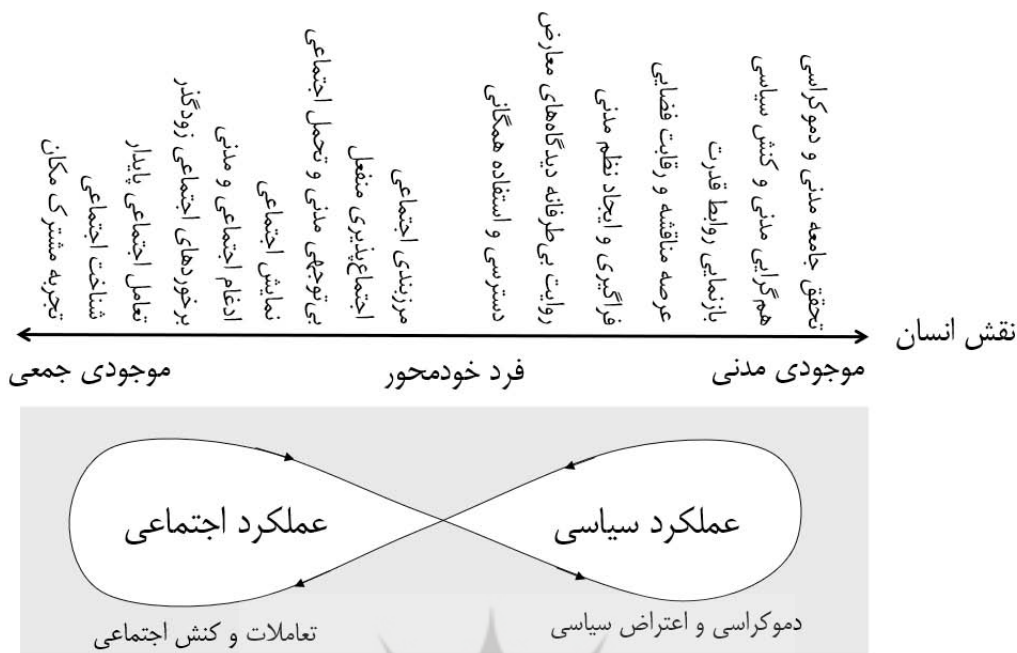
از طرح پرسش درباره تناقضات تعریف مفهوم میان‌رشته‌ای فضای عمومی و مطالعه ویژگی‌های ماهوی و عملکردی آن می‌توان نتیجه گرفت که فضای عمومی مفهومی لغزنده و همواره در حال تغییر است. این مسئله علی‌رغم جذابیت و اهمیت تاریخی فضای عمومی برای مردم، متخصصان و نهادهای قدرت، تعریف آن را امری سهل ممتنع می‌سازد. ریشه‌های فلسفی این امر در رابطه پویای سوژه انسانی با دیگر افراد و محیط در بستر فضا و زمان نهفته است. ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی زمینه و نیروهای کلان اقتصادی و سیاسی، از طریق تحول ساختارهای محدودکننده و وادارنده کنش اجتماعی و مدنی بر این مسئله تأثیرگذار بوده و شهروندان را به سطح مشخصی از ارتباط با فضا، دیگری و دیگران محدود می‌سازد به گونه‌ای که فرد ممکن است به اشکال مختلف با فضای عمومی در تعامل باشد؛ گاه در مقام نظاره‌گری منفعل و گاه در جایگاه کنشگری فعال.

فراگیری و ایجاد نظم مدنی: فضای عمومی فراگیر با دربرگرفتن طیف گسترده‌ای از زندگی شهری، مذاکره درباره تناقض‌ها، روایت روش‌های مختلف مشاهده و تفسیر جهان را ممکن ساخته و با تقویت گرایش عمومی از بالکانیزه شدن عموم جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب فضای عمومی جمع اعداد، بیانگر و ایجادکننده نظم مدنی و یک کالای مشترک است که با شکل‌گیری قدرت و مقاومت، اقدامات جمعی و شیوه‌های متمدنانه تعارض، به تقویت هویت جمعی و جامعه کمک می‌کند (Mitchell, 1995, 124; Sennett, 1970; Mensch, 2007, 44; Orum, 2009, 81-82; Madanipour, 2010, 238; Varna & Tiesdell, 2010).

عرصه مناقشه و رقابت فضایی: فضای عمومی عرصه مبارزه و مناقشه جامعه و قدرت سیاسی در رأس درباره حق بر شهر است و با تحول نمادین یک فضا به لحاظ معنایی و کارکردی، توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای و شکل‌گیری احساس شهروندی را ممکن می‌سازد. در این تحول فرصت رقابت خرده‌فرهنگ‌ها، ساختارها و نهادهای اجتماعی برای یافتن هویت فضایی و کنترل منابع مادی فراهم می‌شود و پیام‌های نمادین قدرت مردم یا دولت انتقال می‌یابد (Mitchell, 1996, 130-131; Mitchell, 2003, 81-82; Staeheli & Mitchell, 2007, 809; Carmona, 2010b, 158; Low, 2016, 75; Carr et al., 1992, 25; Mitchell, 2017, 13).

بازنمایی روابط قدرت: فضای عمومی یک رسانه^۱ فعال و فضای بازنمایی اهداف، نیازها و هویت گروه‌هاست. فضای عمومی صحنه‌ای برای نمایش زندگی سیاسی، روابط قدرت در جامعه و منازعه درباره هویت‌های در حال شکل‌گیری است. فضای عمومی محصول رقابت ایدئولوژی‌ها درباره مؤلفه‌های نظم‌دهنده، کنترل‌گر و آزادساز فضا، یک سایت مهم برای مشارکت در نظم اجتماعی و فضای پدیداری، انتقال و جعل هویت‌ها و معانی در سطح نمادین است (Mitchell, 2003; Ruddick, 1996, 135; Van Deusen, 2002, 157; Hou, 2020, 339 & 342; Neal, 2009, 5).

هم‌گرایی مدنی و کنش سیاسی: با محوشدن مرز میان اعضاء عموم، فضای عمومی به فضای اجتماع و آمیختگی در مکان‌های نمادین و بستری برای رقابت‌های مجادله‌ای میان بازیگرانی با ارزش‌های مشترک یا متفاوت تبدیل می‌شود. فضای عمومی در این نقش تجلی جامعه سیاسی موقت با قابلیت تطبیق‌پذیری و خودانگیختگی و به شکل بالقوه برانداز و توطئه‌گر است که با امکان‌بخشی به تظاهرات سیاسی، افزایش قدرت عموم و تبدیل سوژه ناشناس به شهروند اهل مشورت و مدعی سیاسی را به همراه دارد (Fraser, 1990; Bodnar, 2015, 5; Mitchell, 1995, 115; Amin, 2015, 241; Hou, 2020, 338-339).



تصویر ۱. ساختار چندعملکردی درهم‌تنیده فضای عمومی. مأخذ: نگارندگان.

کاربران، ویژگی‌های زمینه و اثرگذاری عوامل و جریان‌های عام و خارجی، منعکس‌کننده خود انسان در فضای زیسته اختصاصی وی تا خود در ارتباط با دیگری و دیگران در بستر زیست‌جهانی مشترک است.

اتخاذ دیدگاه بی‌طرفانه فضای عمومی را به‌عنوان موجودیتی نسبی، پویا و در حال رخ دادن در لحظه مورد توجه قرار می‌دهد و جایگاه بااهمیت سوژه انسانی را -به‌عنوان مخاطب اصلی- فضا در چگونگی ماهیت و عملکرد آن مشخص می‌سازد. «تقدم خود» به‌عنوان یک اصل اساسی در زندگی مدرن انسان امروزی و «به رسمیت شناختن دیگران» با شکل‌گیری توافق عمومی (مبنای مفهوم عموم) و افزایش کثرت و چندگانگی یا وحدت (مبنای مفاهیم جامعه و اجتماع) بر فرایند شکل‌گیری فضای عمومی تأثیرگذار است. بر اساس تصویر ۲، بسته به آنکه مخاطب فضای عمومی فرد به‌عنوان «شخص خودمحور»، «کنشگر مدنی» یا «موجود اجتماعی» در بستر عموم، اجتماع یا جامعه باشد (حلقه میانی)؛ فضای عمومی عملکرد و ماهیتی متفاوت خواهد یافت (حلقه داخلی و خارجی)؛

- استفاده فردی از فضا به منظور گذران اوقات فراغت و تجربه فضا به شکل شخصی، پررنگ شدن عملکرد فراغتی فضای عمومی و تجربه روزمره آن را به همراه دارد.

- با استفاده گروهی از فضا به‌عنوان عضوی از «عموم» و شکل‌گیری مطالبات مشخص سیاسی و اهداف دموکراتیک، فضای عمومی ماهیت و عملکرد سیاسی می‌یابد.

- با استفاده از فضا به‌عنوان عضوی از یک «جامعه» یا

فضای عمومی در ادبیات نظری حوزه شهر، با عملکردهای مختلفی چون شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، کنش‌های سیاسی و تحقق مدنیت و دموکراسی مورد توجه قرار گرفته است. نقش سیاسی فضای عمومی اغلب با معنا یافتن «عموم» در قالب کنار آمدن با تفاوت‌ها و تمایزات فردی و برابری حقوق در دسترسی و استفاده از فضا تعریف شده و در درجه‌ای بالاتر با ترکیب، تشویق همگنی و تضعیف چندگانگی هویتی -در قالب یک کلیت سیاسی و مدنی- برای شکل‌گیری تجمعات سیاسی در بستر فضا به منصفه ظهور می‌رسد. از سوی دیگر نقش اجتماعی فضای عمومی با تحقق یافتن «اجتماع» و «جامعه» معنا می‌یابد؛ «جامعه» با کیفیتی پلورالیستی و مبتنی بر تنوع در عین وفاق عمومی، زمینه‌ساز برخوردهای اجتماعی زودگذر و ناپایدار بوده و «اجتماع» در مقیاس کوچکتر و در قالب گروه‌هایی متشکل از اعضا با علایق و مشخصه‌های فردی مشابه، جریان مستمیری از تعاملات اجتماعی را میسر می‌سازد.^۱

بنابراین فضای عمومی عملکردی بینابینی، متغیر و در تنش میان کیفیات دوگانه‌ای چون «سیاسی بودن» و «اجتماعی بودن» دارد و قابل فروکاست به یکی از صفات نسبت‌داده به آن -به‌عنوان مثال عمومی نقطه مقابل خصوصی یا فضای همواره دموکراتیک و اجتماعی- در نتیجه دیدگاه‌های مطلق‌گرا و آلوده به نوستالژی و آرمان‌گرایی نیست. فضای عمومی را می‌توان آینه تمام‌قد جامعه شهری با همه پیچیدگی‌های مختلف آن دانست که بسته به مواضع انسانی

- عاملیت‌های کلانی چون نهادهای قدرت، مدیریت شهری، بازار، دولت و... به‌عنوان نیروهایی با منشأ اثر بیرونی، در نقش عوامل محدودکننده، جهت‌دهنده و کنترل‌کننده کنش اجتماعی و مدنی انسان عمل می‌کنند. منشأ اثر این عاملیت‌ها ممکن است اهداف و ملاحظات اقتصادی و سیاسی در سطح شهر و حتی کشور باشد. چنان‌که در مواردی شاهد مناقشه نهادهای قدرت و مردم در تلاش برای تملک، کنترل و بهره‌وری خاص از فضا هستیم.

عمومیت فضا، مسئله‌ای چنددیالکتیکی و ماهیت مورد مناقشه، پویا و نمادین فضای عمومی انعکاسی از جریان‌های مختلف شهری و نیازها و مقاصد متفاوت ذی‌نفعان است. در چنین شرایطی فضای عمومی بسته به مقاصد نهادهای صاحب قدرت، قابلیت‌های زمینه و خواسته‌های سوژه انسانی در رابطه با فضا، گاه در مقام صحنه‌ای خنثی برای امکان حضور مشترک اعضای مختلف جامعه ظاهر شده و گاه در جایگاه مؤلفه‌ای سازنده و زمینه‌ساز برای شکل‌گیری مطالبات مدنی و کنش‌های اجتماعی خواهد بود. در این دیدگاه فضای عمومی، فراتر از ظرفی ثابت برای حضور انسان در شهر، به مثابه مظهری متأثر از قدرت‌نمایی و زورآزمایی سه قطب مردم، زمینه و نهادها شکل خواهد گرفت. بدین ترتیب ساختار چندعملکردی فضای عمومی در جایگاه سیاسی، اجتماعی و فراغتی، برآمده از ماهیت چندگانه و چنددیالکتیکی فضای عمومی بوده و در عین حال آن را تقویت می‌کند. آگاهی نسبت به ابعاد مفهومی مختلف فضای عمومی، منوط به درک عمیق‌تر از نقش و نسبت عاملیت‌های مختلف یادشده در شکل‌گیری ارتباط فرد با فضا در حوزه عمومی است.

نتیجه‌گیری

تعارض دیدگاه‌ها در تعریف فضای عمومی، نتیجه طیف متنوع ذی‌نفعان و تنوع اهداف، دیدگاه‌ها و ویژگی‌های هر یک از عاملیت‌های انسانی، زمینه‌ای و نهادی دخیل در شکل‌گیری کنش انسانی است. ماهیت همواره در حال تحول فضای عمومی به‌عنوان مخرج مشترک تمام ویژگی‌های اختصاصی آن، میزان و کیفیت عمومیت را به نتیجه معادله‌ای چندمتغیره مبدل می‌سازد که مهم‌ترین متغیرهای آن انسان، فضا، شهر و زمان است. بر این اساس فضای عمومی سامانه‌ای چنددیالکتیکی، موجودیتی مورد مناقشه و برخوردار از طیف معنایی و عملکردی وسیع است که در نتیجه جایگشت‌های متعدد سوژه انسانی، ناپایدار و گریزنده از تعریفی واحد معرفی می‌شود. بر این مبنا فضای عمومی به جای تعریف واحد و قابل‌استناد در گونه‌های مختلف، بر اساس روابط میان عاملیت‌های یادشده، نمودهای مختلفی در طول زمان و مکان داشته و معنا و عملکردی متفاوت را در اختیار ذی‌نفعان

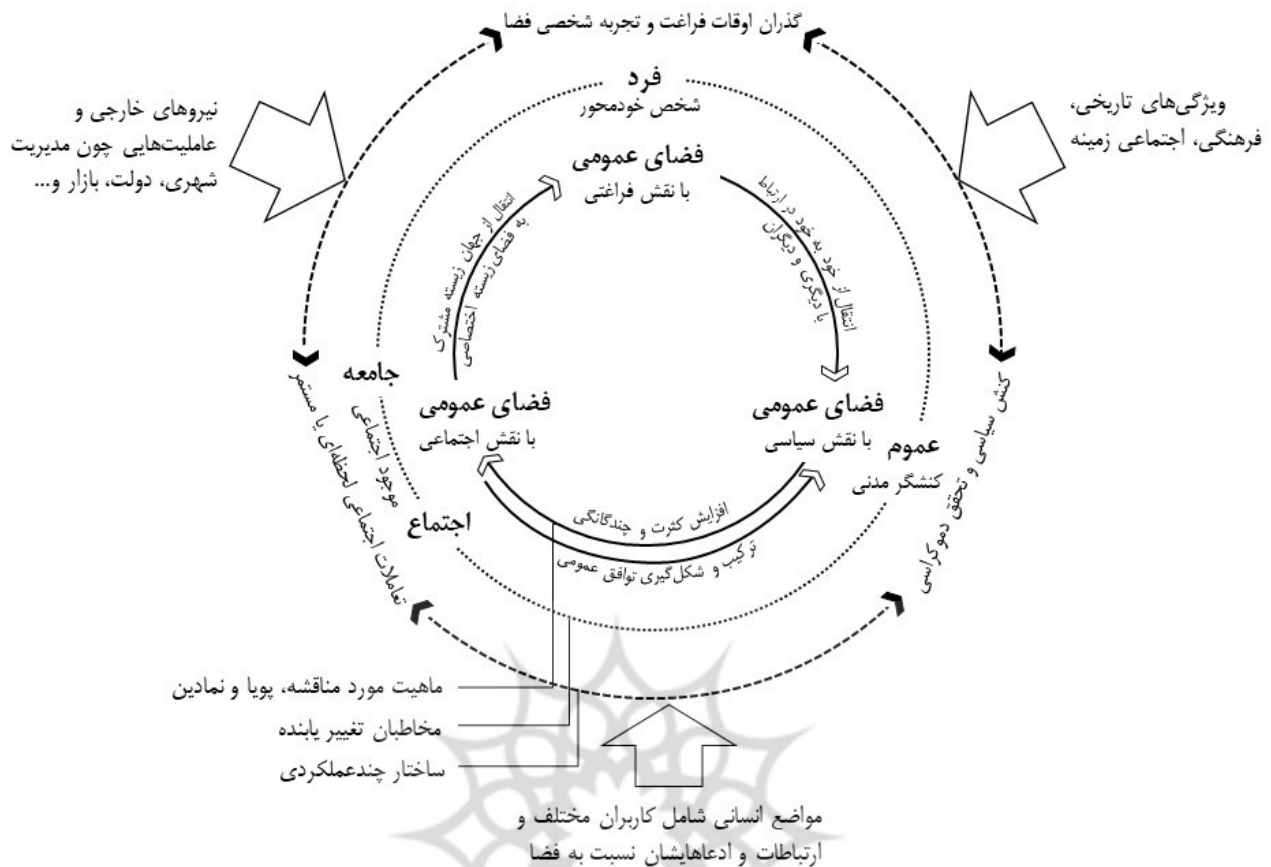
«اجتماع»، ماهیت فضا اجتماعی و عملکرد آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی گذرا یا مستمر خواهد بود (تصویر ۲).

فضای عمومی در بالاترین سطح عملکرد سیاسی و اجتماعی، با تحقق دموکراسی و جامعه مدنی و تجربه ارتباطات بین‌الذنهانی و معنای مشترک مکان، ماهیتی نمادین و معنادار دارد و نشانگر مالکیت، هویت و ارزش‌گذاری جمعی در نقطه خاصی از شهر است. اگرچه عملکرد فضای عمومی را می‌توان در قالب خوشه‌های معنایی از یکدیگر تفکیک کرد، اما در واقعیت امر بنابر ماهیت پویا و چندگانه فضا، شهر و جامعه شهری، عملکرد آن به شکل مستمر در حال تغییر است. عملکردهای مذکور در نتیجه تحول‌پذیری ابعاد انسانی، مکانی و زمانی فضای عمومی ثابت نیست. چنان‌که فرد در تجربه فردی و فراغتی خویش از فضا، همچنان به‌عنوان عضوی از عموم و جامعه در حال تجربه اجتماعی و مدنی به شکلی ضعیف است؛ حضور همزمان افراد مختلف، دیدن و دیده‌شدن به‌عنوان کمترین میزان عملکرد اجتماعی فضا و برابری شهروندان در حضور، دسترسی و استفاده همگانی از فضا به‌عنوان کمترین میزان عملکرد مدنی، در تجربه فردی و فراغتی نیز معنا می‌یابد. مرزبندی اجتماعی به‌عنوان یک شکل منفی اجتماعی‌بودن، با انحصاری‌سازی فضا فرصتی برای توسعه شهر و همچنین تعاملات درون‌گروهی اعضای یک اجتماع خاص فراهم می‌آورد که در ادبیات دوران اخیر الزاماً مسئله‌ای منفی تلقی نمی‌شود.

بر این اساس سه عاملیت اصلی به‌مثابه نیروهایی تعیین‌کننده بر عملکرد و ماهیت فضای عمومی تأثیر می‌گذارند:

- مواضع انسانی شکل‌گیری فضا از جمله کاربران مختلف، ارتباطشان با یکدیگر و ادعای متفاوت ایشان نسبت به فضا، بر تعریف و انتظارات آنها از فضای عمومی تأثیر دارد. انتقادات مربوط به نظریه‌های اجتماعی‌سازی فضا نشان می‌دهد افراد مختلف بنابر پیشینه، ویژگی‌های شخصیتی، تجارب زیسته، ادراکات و شناخت فضایی متفاوت خویش ممکن است در جستجوی ارتباط با دیگران یا تجربه فردی و خصوصی فضا در حوزه عمومی شهر باشند.

- فضای عمومی بنابر شرایط زمینه در طول زمان، تغییراتی را در ابعاد اجتماعی و سیاسی عملکرد و ماهیت خویش تجربه می‌کند. ویژگی‌های اختصاصی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی زمینه به‌عنوان نیروهایی با منشأ اثر درونی، بر کنش انسانی در فضا اثر گذارند؛ یک فضای بالقوه سیاسی ممکن است در شرایط عادی، صرفاً بستری منفعل برای تجربه فردی باشد. به شکل مشابه یک فضای عمومی با عملکرد اجتماعی قدرتمند اگرچه ممکن است توسط اعضای جامعه به‌مثابه دارایی مشترک بزرگ داشته شود اما لزوماً تحت هر شرایطی به صورت گروهی توسط همه اعضای جامعه مورد استفاده قرار نگیرد.



تصویر ۲. شکل‌گیری فضای عمومی در نتیجه روابط چنددیالکتیکی میان مواضع انسانی، زمینه‌های و نهادی در بستر تعامل انسان و محیط. مأخذ: نگارندگان.

به‌عنوان یک ارزش کل‌نگر از طریق الگویی تطبیق‌پذیر با در نظرگیری مجموعه عوامل دخیل در هر نمونه خاص تبیین شده و با راهبردهای بزرگتر و فرایندهای بلندمدت تحقق یابد.

چشم‌اندازی به پژوهش‌های آینده

با توجه به نتایج پژوهش حاضر ضروری است تا در آینده «معیارهای فضای عمومی موفق» و «دلایل ناکارآمدی فضاهای عمومی»، با توجه به اثرگذاری عاملیت‌های مختلف انسانی و نهادی در شکل‌گیری ماهیت پویا و ساختار چندعملکردی فضای عمومی صورت گیرد تا تصویر روشن‌تری از گستره مفهومی فضای عمومی به دست آید.

تقدیر و تشکر

این پایان‌نامه با حمایت‌های مادی و معنوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. semi-systematic or narrative review، مرور نیمه‌سیستماتیک به دنبال شناسایی و درک تمام سنت‌های پژوهشی با پیامدهای بالقوه درباره موضوع مورد مطالعه و آشکار کردن مشکلات، ضعف‌ها، تضادها یا مناقشات در یک حوزه

مختلف اعم از شهروندان، طراحان، متخصصان، مدیران شهری و نهادهای قدرت قرار خواهد داد. هر فضای عمومی ممکن است شخصیت منحصر به فرد سیاسی، اجتماعی و فراغتی خود را داشته و در طول زمان حالات و کیفیات متفاوتی را تجربه کند.

ابعاد ماهوی و عملکردی فضای عمومی تحت تأثیر سلسله‌ای از روابط به‌مثابه واکنش زنجیره‌ای و اثر پروانه‌ای تغییر می‌یابد. تغییری کوچک در فرایندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کلان‌شهری، تغییر جزئی در شرایط اولیه فضای عمومی، اقدامات انسانی فردی یا گروهی و حتی تحول زمینه یک فضای عمومی در نقطه دیگری از شهر ممکن است به نتایج وسیع و پیش‌بینی‌نشده‌ای در عمومیت فضای بینجامد. عمومیت در سراسر شهر در قالب یک شبکه تغییرپذیر حاصل از تنش پویای واقعیت‌های مکانی-زمانی و فرایند غیرخطی و در حال تکامل میان عوامل متعدد معنا می‌یابد و به‌عنوان یک مفهوم بینابینی، نسبی، انتزاعی و پویا، در هر نمونه خاص به گونه‌ای متفاوت قابل تفسیر است. اگرچه عمومیت نتیجه‌ای مطلوب در فرایندهای توسعه شهر محسوب می‌شود اما همواره به نتیجه‌ای دلخواه برای همه ذی‌نفعان نمی‌انجامد. ضروری است عمومی‌بودن فضای

(2009). *Alone together*. Harvard University Press.

- Amin, A. (2006). The good city. *Urban studies*, 43(5-6), 1009-1023.
- Amin, A. (2008). Collective culture and urban public space. *City*, 12(1), 5-24.
- Amin, A. (2015). Animated space. *Public culture*, 27(2), 239-258.
- Arendt, H. (1958). *The human condition*. University of Chicago Press.
- Atkinson, R. (2003). Domestication by cappuccino or a revenge on urban space? Control and empowerment in the management of public spaces. *Urban studies*, 40(9), 1829-1843.
- Balibar, E. (2009) Europe as Borderland. *Environment and Planning D, Society and Space*, 27(2), 190-215.
- Banerjee, T. (2001). The future of public space, beyond invented streets and reinvented places. *Journal of the American Planning Association*, 67(1), 9-24.
- Banerjee, T. (2020). The idea of the urban commons, Challenges of enclosure, encroachment, and exclusion. In Mehta, V., & Palazzo, D. (Eds.), *Companion to Public Space*. Routledge.
- Baumeister, R. F. & Leary, M. R. (1997). Writing narrative literature reviews. *Review of General Psychology*, 1 (3), 311-320.
- Berman, M. (1986). Taking it to the streets, Conflict and community in Public Space. *Dissent*, 33(4), 476-485.
- Blackmar, E. (2006). Appropriating the "commons". In S. Low, & N. Smith (Eds.), *The politics of public space*. New York: Routledge.
- Blomley, N. (2005). Flowers in the bathtub, boundary crossings at the public-private divide. *Geoforum*, 36(3), 281-296.
- Blomley, N. (2010). *Rights of passage, sidewalks and the regulation of public flow*. London: Taylor and Francis.
- Bodnar, J. (2015). Reclaiming public space. *Urban Studies*, 52(12), 1-15.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brill, M. (1989). Transformation, nostalgia, and illusion in public life and public place. In I. Altman & E. H. Zube (Eds.), *Public places and spaces*. New York: Plenum.
- Carmona, M. (2010b). Contemporary public space, part two, classification. *Journal of Urban Design*, 15(2), 157-173.
- Carmona, M. (2014b). The place-shaping continuum, A theory of urban design process. *Journal of Urban Design*, 19(1), 2-36.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. & Stone, A. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Castells, M. (2000). *The rise of the network society* (2nd ed.). Oxford: Blackwell.
- Castells, M. (2008). The new public sphere, Global civil society, communication networks, and global governance. *The*

تحقیقاتی است (Frank & Hatak, 2014, 99-101; Ward, House & Hamer, 2013; Wong et al., 2013).

- ۲. Meta-analysis.
- ۳. content analysis.
- ۴. autonomy-withdrawal syndrome.
- ۵. agoraphobia.
- ۶. civil inattention.
- ۷. civil integration.
- ۸. اساساً شهر فراتر از یک متن، به عنوان یک رسانه قادر است به ذهن مخاطب پیام ارسال نماید (همتی، منصوری و براتی، ۱۴۰۱، ۶۹-۷۳).
- ۹. لازم به ذکر است که این دسته‌بندی با دیدگاهی چون فردگرایی که اساساً جامعه را یک واقعیت نمی‌انگارد و تنها حقیقت ملموس را یک "فرد" تصور می‌کند انطباق ندارد (همتی و صابونچی، ۱۴۰۰، ۱۷).

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده؛ برومند، هدیه؛ طایفه حسینلو، اردلان؛ لطیفی، سید محمدمهدی؛ نبئی، سیده یگانه و نیکزاد، غزل. (۱۳۹۹). فضای جمعی، مفهومی رو به زوال، ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۸)، ۲۳-۳۲.
- ابرقویی فرد، حمیده و منصوری، سید امیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- ابرقویی فرد، حمیده؛ صدفی کهنه شهری، پدram؛ نصیریان، مهدی؛ امینی، بهاره؛ احمدی، مارال و اکبرپور بازرگانی، سجاد. (۱۴۰۱). دوراهی حفاظت یا تغییر؟ در جستجوی راهکاری برای مانایی منظر مردمی در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان. گردشگری فرهنگ، ۳(۹)، ۱۷-۲۶.
- براتی، ناصر و خادمی، شهرزاد. (۱۳۹۷). فضاهای جمعی، ضرورت‌ها و موانع؛ نمونه موردی، چهارراه ولیعصر تهران. منظر، ۱۰(۴۴)، ۱۸-۲۳.
- مجیدی، مریم؛ منصوری، سید امیر؛ صابرنژاد، ژاله و براتی، ناصر. (۱۳۹۸). نقش رویکرد منظرین در ارتقای رضایت‌مندی از محیط شهری. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۴۵-۵۶.
- براتی، ناصر؛ حیدری، فردین و ستارزاد فتحی، مانی. (۱۳۹۸). به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛ ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران. باغ نظر، ۱۶(۷۶)، ۵-۲۰.
- منصوری، مریم‌السادات و آتشین بار، محمد. (۱۳۹۳). ارتقاء کیفی منظر شهر تهران در تلاقی خیابان و فضای عمومی. منظر، ۶(۲۸)، ۱۲-۱۷.
- همتی، مرتضی و صابونچی، پریچهر. (۱۴۰۰). ادراک‌کننده، ادراک شونده، محصول ادراک (ارزیابی تعابیر صاحب‌نظران از مؤلفه‌های تعریف منظر). منظر، ۱۳(۵۶)، ۱۴-۲۹.
- همتی، مرتضی، منصوری، سید امیر و براتی، ناصر. (۱۴۰۱). رسانه، روشی برای تغییر منظر شهری تبیین مدل مفهومی اثرگذاری بر منظر شهری بدون مداخله فیزیکی. منظر، ۱۴(۵۸)، ۶۶-۷۷.
- Aeschecher, P. & Rios, M. (1995). Claiming Public Space The Case for Proactive, Democratic Design. *Organization*, 49(4), 595-625.
- Amato, P. R., Booth, A., Johnson, D. R. & Rogers, S. J.

Annals of the American Academy of Political and Social Science, 616(1), 78-93.

- Christopherson, S. (1994). The Fortress City, Privatized Spaces, Consumer Citizenship. In A. Amin (Ed.), *Post-Fordism, A Reader*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Corcoran, M. P. (2012). Society, space and the public realm, beyond gated individualism. *Irish Journal of sociology*, 20(1), 1-18.
- Crawford, M. (2021). Blurring the boundaries, public space and private life. In V. Mehta & M. Mitrašinović (Eds.), *Public Space Reader*. London: Routledge.
- De Magalhães, C. (2010). Public space and the contracting-out of publicness, A framework for analysis. *Journal of Urban Design*, 15(4), 559-574.
- Deutsche, R. (1996). *Evictions, Art and spatial politics*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Dovey, K. & Pafka, E. (2020). Mapping the publicness of public space, An access/control typology. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to Public Space*. London: Routledge.
- Flusty, S. (2001). The banality of interdiction, surveillance, control and the displacement of diversity. *International Journal of Urban and Regional Research*, 25(3), 658-664.
- Francis, M. (1989). Control as a dimension of public-space quality. In I. Altman, & E. H. Zube (Eds.), *Public places and spaces*. Boston, MA: Springer.
- Frank, H. & Hatak, I. (2014). Doing a research literature review. In A. Fayolle & M. Wright (Eds.), *How to get published in the best entrepreneurship journals, A guide to steer your academic career*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Fraser, N. (1990). Rethinking the public sphere, A contribution to the critique of actually existing democracy. *Social Text*, (25/26), 56-80.
- Gałkowski, M. & Antosz, P. (2022). The hidden boundaries of public space, Awareness of civil rights restrictions in privatized urban squares in Poland. *Cities*, (127), 1-9.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings, using public space*. Washington: Island press.
- Gholamhosseini, R., Pojani, D., Mateo Babiano, I., Johnson, L. & Minnerly, J. (2019). The place of public space in the lives of Middle Eastern women migrants in Australia. *Journal of Urban Design*, 24(2), 269-289.
- Glasze, G. (2001). Privatisierung öffentlicher Räume? Einkaufszentren, Business Improvement Districts und geschlossene Wohnkomplexe. *Berichte zur deutschen Landeskunde*, 75(2-3), 160-177.
- Goheen, P. G. (1994). Negotiating access to public space in mid-nineteenth century Toronto. *Journal of Historical Geography*, 20(4), 430-449.

- Goheen, P. G. (1998). Public space and the geography of the modern city. *Progress in Human Geography*, 22(4), 479-496.
- Goodsell, C. T. (2003). The concept of public space and its democratic manifestations. *The American Review of Public Administration*, 33(4), 361-383.
- Haas, T. & M. Mehaffy. (2019) Introduction, The Future of Public Space. *URBAN DESIGN International*, 24(1), 75.
- Habermas, J. (1962). *The structural transformation of the public sphere, an inquiry into a category of bourgeois society*. Cambridge: Polity Press.
- Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere, An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Hartley, J. (1992). *The Politics of Pictures, The Creation of the Public in the Age of Popular Media*. London: Routledge.
- Harvey, D. (2013). The political economy of public space. In S. Low & N. Smith, (Eds.). *The politics of public space*. Routledge.
- Hatuka, T. (2010). *Violent Acts and Urban Space in Contemporary Tel Aviv, Revisioning Moments*. Austin: University of Texas Press.
- Hatuka, T. (2012) Civilian Consciousness of the Mutable Nature of Power, Dissent Practices Along a Fragmented Border in Israel/Palestine. *Political Geography*, 31(6), 347-357.
- Hatuka, T. (2020). Alternating narratives, The dynamic between public spaces, protests, and meanings. In V. Mehta, & D. Palazzo, (Eds.), *Companion to Public Space*. London: Routledge.
- Hatuka, T. (2022). *Public space and public rituals, Engagement and protest in the digital age*. Urban Studies, 00420980221089770.
- Hester, R. (1984). *Planning Neighborhood Space with People*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Hou, J. (2010). (Not) your everyday public space. In J. Hou (Ed.), *Insurgent public space, Guerilla urbanism and the remaking of contemporary cities*. New York: Routledge.
- Hou, J. (2020). Public space as a space of resistance and democratic resilience. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to Public Space*. Routledge.
- i Rubió, M. D. S. M. (2021). *The Impossible Project of Public Space*. In V. Mehta & M. Mitrašinović (Eds.), *Public Space Reader*. London: Routledge.
- Inroy, N. M. (2000). Urban regeneration and public space, the story of an urban park. *Space and Polity*, 4(1), 23-40.
- Iveson, K. (1998). Putting the public back into public space. *Urban policy and Research*, 16(1), 21-33.
- Jackson, P. (1998). Domesticating the Street, The Contested Spaces of the High Street and the Mall. In N. R. Fyfe (Ed.), *Images of the Street, Planning, Identity, and Control in Public Space*. London: Routledge
- Jalaladdini, S. & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and

- vitality, a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (35), 664-674.
- Jesson, J. & Lacey, F. (2006). How to do (or not to do) a critical literature review. *Pharmacy Education*, 6(2), 139- 148.
 - Johnson, A. J., & Glover, T. D. (2013). Understanding urban public space in a leisure context. *Leisure Sciences*, 35(2), 190-197.
 - Joseph, I. (1998). *La ville sans qualités. La tour d'Aigues*. France: Editions de l'Aube.
 - Karimnia, E. & Haas, T. (2020). Appropriation of public space, A dialectical approach in designing publicness. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. London: Routledge.
 - Kirby, A. (2008). The production of private space and its implications for urban social relations. *Political Geography*, 27(1), 74-95.
 - Koch, R. & Latham, A. (2012). Rethinking urban public space, accounts from a junction in West London. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 37(4), 1-15.
 - Kohn, M. (2004). *Brave New Neighborhoods, The Privatization of Public Space*. New York: Routledge.
 - Kullmann, K. (2020). LANDSCAPE URBANISM The topography of public space. V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to Public Space*. London: Routledge.
 - Kumar, K., & Makarova, E. (2008). The portable home, The domestication of public space. *Sociological Theory*, 26(4), 324-343.
 - Langstraat, F. & Van Melik, R. (2013). Challenging the 'end of public space', A comparative analysis of publicness in British and Dutch urban spaces. *Journal of Urban Design*, 18(3), 429-448.
 - Leclercq, E., Pojani, D. & Van Bueren, E. (2020). Is public space privatization always bad for the public? Mixed evidence from the United Kingdom. *Cities*, (100), 102649.
 - Lee, N. K. (2009). How is a political public space made?—The birth of Tiananmen Square and the May Fourth Movement. *Political Geography*, 28(1), 32-43.
 - Lees, L. (1998). Urban renaissance and the street. In N. R. Fyfe (Ed.), *Images of the street, Planning, identity and control in public space*. Routledge.
 - Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Oxford: Basil Blackwell.
 - Lofland, L. (1998). *The Public Realm, Exploring the City's Quintessential Social Territory*. New York: Aldine De Gruyter.
 - Low, S. (2016). Spatializing culture, The ethnography of space and place. Taylor & Francis.
 - Low, S. M. (1997). Urban fear, building the fortress city. *City & Society*, 9(1), 53-71.
 - Low, S. M. (2009) Towards an Anthropological Theory of Space and Place. *Semiotica*, 175, 21–37.
 - Low, S. M. & Smith, N. (2006). Introduction, The Imperative of Public Space. In S. M. Low & N. Smith. (Eds.), *The Politics of Public Space*. New York, London: Routledge.
 - Luger, J., & Lees, L. (2020). PLANETARY PUBLIC SPACE Scale, context, and politics. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. Routledge.
 - Madanipour, A. (1995) Dimensions of Urban Public Space, The Case of the Metro Centre, Gateshead. *Urban Design Studies*, (1), 45–56.
 - Madanipour, A. (1996). Urban design and dilemmas of space. *Environment and planning D, Society and Space*, 14(3), 331-355.
 - Madanipour, A. (1999). Why are the design and development of public spaces significant for cities?. *Environment and planning B, Planning and Design*, 26(6), 879-891.
 - Madanipour, A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*. London: Routledge.
 - Madanipour, A. (2006). Roles and challenges of urban design. *Journal of Urban Design*, 11(2), 173-193.
 - Madanipour, A. (Ed.). (2010). *Whose public space?*, International case studies in urban design and development. London: Routledge.
 - Madden, D. J. (2010). Revisiting the end of public space, Assembling the public in an urban park. *City & Community*, 9(2), 187-207.
 - Malone, K. (2002). Street life, youth, culture and competing uses of public space. *Environment and urbanization*, 14(2), 157-168.
 - Marston, S. (1990). 'Who are the people'? Gender, citizenship, and the making of the American nation. *Environment and Planning D, Society and Space*, (8), 449–458.
 - Matthews, G. (1992). *The rise of public woman*. New York: Oxford University Press.
 - McLeod, M. (1996). 'Other' spaces and 'others'. In, D. Agrest, P. Conway & L. Weisman (Eds.), *The Sex of Architecture*. New York: Harry N. Abrams.
 - Mehta, V. & Palazzo, D. (Eds.). (2020). *Companion to Public Space*. London: Routledge.
 - Mehta, V. (2014). Evaluating public space. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53-88.
 - Mehta, V. (2019). Streets and social life in cities, a taxonomy of sociability. *Urban Design International*, 24(1), 16-37.
 - Melucci, A. & Avritzer, L. (2000). Complexity, cultural pluralism and democracy, collective action in the public space. *Social Science Information*, 39(4), 507-527.
 - Mensch, J. (2007). Public space. *Continental Philosophy Review*, 40(1), 31-47.
 - Mitchell, D. (1995). The end of public space? People's

- Park, definitions of the public, and democracy. *Annals of the Association of American Geographers*, 85(1), 108-133.
- Mitchell, D. (1996). Introduction, Public space and the city. *Urban Geography*, 17(2), 127-131.
 - Mitchell, D. (2003). *The Right to the City, Social Justice and the Fight for Public Space*. New York and London: Guilford Press.
 - Mitchell, K. (2006). Geographies of identity, the new exceptionalism. *Progress in Human Geography*, 30(1), 95-106
 - Mitchell, D. (2017). People's Park again, on the end and ends of public space. *Environment and planning A, economy and space*, 49(3), 503-518.
 - Neal, Z. (2009). Locating Public Space. In A. M. Orum & Z. Neal. (Eds.), *Common ground?, readings and reflections on public space*. London: Routledge.
 - Németh, J. (2012). Controlling the commons, how public is public space?. *Urban Affairs Review*, 48(6), 811-835.
 - Németh, J., & Schmidt, S. (2011). The privatization of public space, modeling and measuring publicness. *Environment and Planning B, Planning and Design*, 38(1), 5-23
 - Nissen, S. (2008). Urban transformation from public and private space to spaces of hybrid character. *Sociologický časopis/ Czech Sociological Review*, 44(06), 1129-1149.
 - Oldenburg, R. (1989). *The Great Good Place*. Berkeley: University of California Press
 - Orum, A. M., & Neal, Z. (2009). *Common ground?, readings and reflections on public space*. London: Routledge.
 - Orum, M. A. (2009). Public Space as Power and Resistance. In A. M. Orum & Z. Neal (Eds.), *Common ground?, readings and reflections on public space*. London: Routledge.
 - Paay, J., & Kjeldskov, J. (2008). Understanding situated social interactions, a case study of public places in the city. *Computer Supported Cooperative Work (CSCW)*, 17(2), 275-290.
 - Pojani, D. (2008) Santa Monica's Third Street Promenade, The Failure and Resurgence of a Pedestrian Mall. *Urban Design International*, 13(3), 141-155.
 - Pojani, D., & Maci, G. (2015). The detriments and benefits of the fall of planning, The evolution of public space in a Balkan post-socialist capital. *Journal of Urban Design*, 20(2), 251-272.
 - Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone, America's declining social capital*. New York: Palgrave Macmillan.
 - Raco, M. (2003). Remaking place and securitising space, urban regeneration and the strategies tactics and practices of policing in the UK. *Urban Studies*, (40), 1869-87.
 - Ramlee, M., Omar, D., Yunus, R. M. & Samadi, Z. (2015). Revitalization of urban public spaces, An overview. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (201), 360-367.
 - Relf, E. (1976). *Place & Placeness*. London: Pion.
 - Rishbeth, C. (2020). The collective outdoors, Memories, desires and becoming local in an era of mobility. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. Routledge.
 - Ruddick, S. (1996). Constructing difference in public spaces, Race, class, and gender as interlocking systems. *Urban geography*, 17(2), 132-151.
 - Ruddick, S. (2021). Constructing Differences in Public Spaces, Race, Class and Gender as Interlocking Systems. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. London: Routledge.
 - Ryan, M. (1989). The American parade, representations of nineteenth-century social order. In L. Hunt (Ed.), *The new cultural history*. Berkeley, CA: University of California Press.
 - Rybczynski, W. (1993). The New Downtowns. *Atlantic Monthly*, (271), 98 – 106.
 - Sennett, R. (1970). *Families against the city; middle class homes of industrial Chicago, 1872-1890*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
 - Sennett, R. (1977). *The fall of public man, on the social psychology of capitalism*. New York: Alfred A Knopf.
 - Sennett, R. (1992). *The uses of disorder, Personal identity and city life*. WW: Norton & Company.
 - Sennett, R. (2017). *The fall of public man*. WW: Norton & Company.
 - Sezer, C. (2020). Visibility in public space and socially inclusive cities. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. London: Routledge.
 - Simões Aelbrecht, P. (2016). 'Fourth places', the contemporary public settings for informal social interaction among strangers. *Journal of Urban Design*, 21(1), 124-152.
 - Smith, N., & Low, S. (2021). The Imperative of Public Space. In V. Mehta & D. Palazzo (Eds.), *Companion to public space*. London: Routledge.
 - Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology, An overview and guidelines. *Journal of Business Research*, (104), 333-339.
 - Soja, E. W. (1980). The Socio-Spatial Dialectic. *Annals of the Association of American Geographers*, 70(2), 207-225.
 - Soja, E. W. (2003). Writing the City Spatially. *City*, (7), 269-280.
 - Sorkin, M. (Ed.) (1992). *Variations on a Theme Park, The New American City and the End of Public Space*. New York: Hill & Wang.
 - Spierings, B., Van Melik, R. & Van Aalst, I. (2016) Parallel Lives on the Plaza, Young Women of Immigrant Descent and Their Feelings of Social Comfort and Control on Rotterdam's Schouwburg-plein. *Space and Culture*, 19(2), 150-163
 - Staeheli, L. (1996). Publicity, privacy, and women's political

action. *Environment and Planning D, Society and Space*, (14), 601-619.

- Staeheli, L. A. & Mitchell, D. (2007). Locating the public in research and practice. *Progress in Human Geography*, 31(6), 792-811.
- Stone, G. (1954). City shoppers and urban identification, observations on the social psychology of city life. *American Journal of Sociology*, 60 (1), 36-45
- Sucker, K. (2010). Istanbul and the Heritage of the European City. *Mokslas – Lietuvos ateitis [Science – Future of Lithuania]*, 2(3), 31-37.
- Thomas, M. (1991). The Demise of Public Space. In V. Nadin & J. Doak (Eds.), *Town Planning Responses to City Change*, Avebury: Aldershot.
- Tonnelat, S. (2010). The sociology of urban public spaces. Territorial evolution and planning solution. *experiences from China and France*, 84-92.
- Tranfield, D., Denyer, D. & Smart, P. (2003). Towards a methodology for developing evidence-informed management knowledge by means of systematic review. *British Journal of Management*, 14 (3), 207-22.
- Vaismoradi, M., Turunen, H. & Bondas, T. (2013). Content analysis and thematic analysis, Implications for conducting a qualitative descriptive study. *Nursing & Health Sciences*, 15(3), 398-405.
- Vaismoradi, M., Jones, J., Turunen, H. & Snelgrove, S. (2016). Theme development in qualitative content analysis and thematic analysis. *Nursing Education and Practice*, 5(6), 100-110.
- Van Deusen, R. (2002). Public space design as class warfare, Urban design, theright to the city'and the production of Clinton Square. Syracuse, NY. *GeoJournal*, 58(2-3), 149-158.
- Van Oostrum, M. (2022). Appropriating public space,

transformations of public life and loose parts in urban villages. *Journal of Urbanism, International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 15(1), 84-105.

- Varna, G., & S. Tiesdell. (2010). Assessing the publicness of public space, The Star Model of publicness. *Journal of Urban Design* (15), 575-98.
- Vertovec, S. (2007). *New complexities of cohesion in Britain: Super-diversity, transnationalism and civil-integration*. London: Communities and Local Government Publications.
- Walzer, M. (1986). Public space-pleasures and costs of urbanity. *Dissent*, 33(4), 470-475.
- Ward, V., House, A. & Hamer, S. (2009). Developing a framework for transferring knowledge into action, A thematic analysis of the literature. *Journal of Health Services Research and Policy*, (14), 156-164.
- Watson, S. (2006) *City Publics, The (Dis)enchantment of Urban Encounters*. London: Routledge.
- Weintraub, J. (1997). The theory and politics of the public/private distinction. In J. Weintraub & K. Kumar (Eds.), *Public and private in thought and practice, Perspectives on a grand dichotomy*. Chicago, IL: The University of Chicago Press.
- Wong, G., Greenhalgh, T., Westhorp, G., Buckingham, J. & Pawson, R. (2013). RAMESES publication standards, Meta-narrative reviews. *BMC Medicine*, (11), 20.
- Worpole, K. & Knox, K. (2007). *The Social Value of Public Spaces*. New York: Joseph Rowntree Foundation.
- Young, M. I. (1990). *Justice and the politics of difference*. Princeton: Princeton University Press
- Zamanifard, H., Alizadeh, T. & Bosman, C. (2018). Towards a framework of public space governance. *Cities*, (78), 155-165.
- Zukin, S. (1995). *The cultures of cities*. Cambridge: MA, Blackwell.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
 ابرقویی فرد، حمیده؛ منصورى، سيد امير و مطلبى، قاسم. (۱۴۰۱). مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر. باغ نظر، ۱۹ (۱۱۶)، ۸۵-۱۰۲.

DOI:10.22034/BAGH.2022.376257.5305

URL:http://www.bagh-sj.com/article_162690.html

